

قربان و عدالت



کافنامه حقوقی - اجتماعی و فرهنگی

مجموعه متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیت ها
شماره اول سال اول میزان ۱۳۸۳ = اکتوبر ۲۰۰۴

فشاردهنده از سخنرانی محترم عباس کریمی وزیر عدلیه
دولت انتقالی اسلامی افغانستان

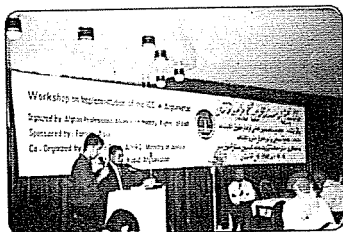
مکاتبت های دولت متخو در محکمه بین المللی جزایی

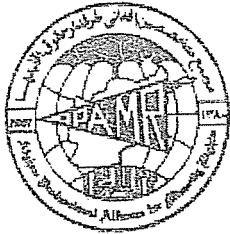


ورکشاپ تطبیق اساسنامه محکمه جزایی بین المللی
در افغانستان

گزیده از محکمه جزایی بین المللی

حقوق قربانیان



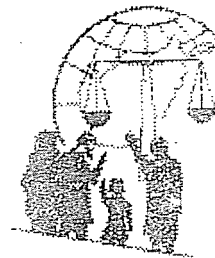


قربانیان



مقالات

گاهنامه حقوقی، اجتماعی و فرهنگی



در پرده های این شماره

۲	مرور مختصر بر فعالیت مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیتها
۶	در رابطه به محکمه جزایی بین المللی (ICC)
۸	فشرده از سخنرانی محترم عباس کریمی وزیر عدلیه دولت انتقالی اسلامی افغانستان
۱۰	در ورکشاپ تطبیق اساسنامه محکمه جزایی بین المللی
۱۲	گزارشی از ورکشاپ و سیمینار اپامردر کابل
۱۷	متن سخنرانی آقای معنوی معاون سترمحکمه دولت انتقالی اسلامی افغانستان
۲۱	به مناسبت ورکشاپ تطبیق اساسنامه محکمه جزایی بین المللی
۲۲	انتخابات ریاست جمهوری و چشم انداز مشارکت سیاسی اقلیتها در افغانستان
۲۳	گزیده از محکمه جزایی بین المللی
۲۴	حقوق قربانیان
۲۵	مکلفیت دول عضو در محکمه بین المللی جزایی
۲۶	به قدرت رسیدن اوغوزها و پیدایش نام ترکن
۲۷	دیداری ازهاگ
۲۸	متن سخنرانی ادموند اچ ویلین ستین رئیس اجرائیوی محکمه جزایی
۲۹	بین المللی دزسومین اجلاس مجمع عمومی کشور عضو این محکمه

صاحب امتیاز:

مجمع متخصصین افغانی طرفدار

حقوق اقلیتها (APAMIR)

تحت نظر هیئت تحریر:

داکتر داود (نجفی)

استاد سید امان الله (ابدالی)

نعمت الله ابراهیمی

داود رضایی

شرح پشتی مجله:

نمایی از ساختمان محکمه جزایی بین المللی

درهاگ - هالند

کمپوزر ویرزاین: احمد شاهد صافی

و احمد راشد حکیمزاده

مجمع، مقالات ارسال حقوقی، اجتماعی و فرهنگی را که با پانسی نشراتی آن موافق باشد با مهبت پذیرفته و در قسمت ویرایش و تصحیح آن آزاد میباشد. مقالات ارسال الزاماً معرف آرا مجمع نخواهد بود.

نشانی:

اپارتمان نمبر (۲) شمال غرب لیسه نادریه مقابل مسجد جامع حضرت نعمان ابن ثابت امام عظم (رح)

کارته پروان کابل - افغانستان

موبائیل: ۰۷۹۳۰۱۴۳۴-۰۷۰۲۰۴۵۸-۰۷۰۰۱۶۹۸۳

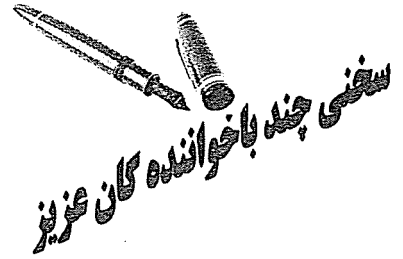
ایمیل آدرس: apamrafg@yahoo.com

Add:

North west of Nadirya High School apartment No.2 opposite Emam Abuhanifa Mosque

Mobile: 070016983-070207458-079301434

E-mail: apamrafg@yahoo.com



مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیتها به مثابه یک ارگان غیر دولتی غیر وابسته و غیر انتفاعی مسرت دارد که برای اولین بار در داخل کشور به نشر گاهنامه‌ی می پردازد که از یکسو منعکس کننده‌ی وضعیت حقوقی اجتماعی و فرهنگی گروهی انسانی از جامعه‌ی افغانی که ممکن از لحاظ زبان نژاد و یا سایر ممیزات طبیعی از همدیگر تفکیک شوند از سویی دیگر اپامر به عنوان عضو شبکه‌ی آسیایی محکمه جزایی بین‌المللی به سلسله فعالیت‌های حقوقی بر خود لازم میدانند که این نهاد جوان یعنی محکمه جزایی بین‌المللی را که خوشبختانه افغانستان در فیوروی ۲۰۰۳ رسماً به عضویت آن درآمده است، به مردم افغانستان بشناساند.

بدیهی است که ارتباط این دو کاملاً منطقی و بیجا است چون اقلیت‌ها مثل برخی اقلیت‌های هم‌چو زنان و اطفال آسیب پذیر و و بی دفاع اند. این‌ها حتی در آرام‌ترین شرایط اجتماعی مورد تخطی از اساسی‌ترین حقوقی انسانی شان شده اند مصایب ناشی از جنگ بیشتر از دو دهه، گونه مضاعف بر آنها رنج و درد‌های بیشماری را تحمیل نموده است.

کشور عزیز ما افغانستان خوشبختانه با پذیرفتن و پیوستن اکثریت موافقت‌ها و کانوانسیون‌های جهان شمول که اهمیت حقوقی فراوان برای بشریت داشته است پیش قدم بوده و از این نقطه نظر گفته می‌توانیم که درین نهضت حتی از کشور‌های همسایه و هم‌جواری سبقت بسته است ولی بدبختانه از نقطه نظر عملی و تطبیقی بویژه در بیست و چند سال اخیر خاطرات بدی از خود بجا گذاشته است، بدون هیچ‌گونه ملاحظه و غرضی نمیتوان از مداخلات بیرونی چشم پوشی نمود. قوانین داخلی با وصف استغنا‌ی عمیق در مقایسه با سیستم‌های معاصر حقوقی و جهانی عملاً جای خویش را به تطبیق اراده، سلیقه و تصامیم انفرادی و شخصی داده بود.

بعد از حوادث هفت ثور چی در زمان کمونست‌ها چی در نظام جهادی و چی در دوره‌ی امارت

اسلامی هیچ یک نتوانستند تغییرات محسوسی در سلسله قوانین که بین سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۸ تدوین شده بودند وارد نمایند ولی زبده ترین و جامع ترین پرنسپ‌های عملاً مورد تخطی قرار گرفت مواردی چون: هیچ عملی جرم پنداشته نمیشود مگر به موجب قانون، جرم امر شخصی است و به ارتکاب آن فرد دیگر مجازات نمیشود برائت الذمه حالت اصلی است و غیره پرنسپ‌های که حتی ارزش‌های فراملی و جهانی دارد، متأسفانه لگد مال گردیدند هر کسی خودش را در مسایل اجتماعی انقلابی دنست، در موضوعات حقوقی استاد خواند، هر فردی بی‌خبر از پرنسپ‌های انسانی حقوق جنگ خودش را جنرال و قوماندان نامید و هر شخصی در میدان عمل و نظر خودش را پهلوان تراشید، نتیجه آن شد که خون بی‌شماری از افراد بیگناه و معصوم ریخته شود آنهایی که قطعاً درگیر جنگ‌ها و وزدو خورد‌ها نبودند، مورد غارت، چپاول، تجاوز، هتک حرمت، کوچ اجباری، نسل‌کشی و غیره... گردیدند. ارتکاب این جرایم خطیر نه تنها وجدان افغانها را می‌آزرد بلکه جامعه جهانی را که به افغانها به عنوان عضوی از پیکره جامعه انسانی می‌نگریستند نیز جریحه دار ساخت. آنطوریکه بدو اشاره شد این کشور به میدان قتل و قاتل اجنبیان، دولت بر سر اقتدار و افرادی که به نحوی از انحا با دولت سروکار داشتند و یا برای براندازی آن میکوشیدند مبدل گردید.

خاطرات تلخ و زهر آگین گمگشتگان هزاران بگیناه توسط عمال دولت، تجاوز روسها و بمباران قرأ و محلات مسکونی، پلیس مخوف دستگاه استخباراتی رژیم دست‌نشانده چون اگسا، کام، خاد، واد، تخریب نیمی از شهر کابل، نسل‌کشی و پیاده کردن سیاست زمین سوخته، انواع بکر و خشن شکنجه همه و همه طی این دو دهه که فریاد این ملت را تا ملکوت رسانید و دود از دماغ‌شان بیرون کشید تا زمانی که در قید حیات هستند باقی خواهد ماند. با دریغ و درد که هیچ فردی یا گروهی در رابطه با آنچه بالای مردم غیر نظامی و ملکی انجام دادند مورد بازپرس و مواخذه قرار نگرفتند در عوض عده‌ای در اریکه قدرت باقی ماندند و برخی هم به کمک دول خارجی و نهاد‌های بین‌المللی از حق پناهنده‌گی در خارج مستقیماً شدند، انگار زمین ترکید و همه مرکبیین جرم و جنایت را

بلعید..

با تاسیس سازمان ملل متحد که باز هم دیوان بین‌المللی عدالت را به عنوان یک ازارگان اصلی پذیرفته و در خود جا داد نتوانست به همچو مسایل بپردازد چون اصولاً این دادگاه یا محکمه با دول سرو کار داشته و اقامه دعاوی فردی و جزایی در آن راه ندارد. اندیشه ایجاد یک نهاد بین‌المللی که بتواند به این قساوت‌ها و بیرحمی‌ها پایان دهد بعد از جنگهای جهانی مخصوصاً جنگ دوم جهانی قوت گرفته هر چند محاکم موقتی برای مجازات مجرمین پس از جنگ در توکیو و نورمبرگ و یا دادگاهی برای محکمه میلاسویچ در هاگ تشکیل گردیدند ولی این نهاد‌ها به تنهای برای پیگیری منظم آتهمه جرم و جنایت و مجازات دیکتاتوران کافی نیست. دولت‌ها نباید دیگر با به کارگیری حق حاکمیت از آن استفاده‌نا مشروع نمایند.

خوشبختانه هم اکنون ایجاد محکمه جزایی بین‌المللی به مثابه نوزاد خوش قدم در خانواده‌ی نهاد‌های معتبر بین‌المللی تلقی میشود این نهاد که بر طبق اساسنامه روم بوجود آمده است عملاً با پوره شدن تصاویر ضروری و نصاب معین از کشور‌ها، قدرت اجرایی پیدا کرده است و وجود آن بشارتی خواهد بود برای نسل فردا که به حالت بی‌کیفری مجرمین برای همیشه پایان خواهد داد و از افراد عادی تا وزیر و رئیس دولت دیگر مصونیت حقوقی و قضایی در برابر ارتکاب همچو جرایم نخواهند داشت.

آنچه در اساسنامه این محکمه آمده است آنست که با پیروی از اصل پذیرفته شده‌ی جزایی، اساسنامه قدرت عطف به ما سبق را ندارد یعنی عمده‌تاً جرایم ارتکابی قبل از جولای ۲۰۰۲ را نمی‌تواند مورد پیگرد قرار بدهد ولی قانون جزا کشور هنوز بالای قسمت اعظمی از همچو جرایم قدرت تطبیقی دارد.

در آخر لازم به تذکر می‌دانیم که همانطوریکه مداخلات ناشیانه‌ی برخی کشور‌ها زمینه‌ی بی‌ثباتی و ارتکاب جرایم خطرناک را طی دو دهه در افغانستان مساعد ساخت، بدون شک کمک و مساعدت انسانی کشور‌های صلحدوست و جامعه بین‌المللی میتواند بالای آلام قربانیان همچو جرایم که در جستجوی عدالت هستند مرهم گذارد.

فعالیت‌های مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیت ها (APAMR) در رابطه به محکمه جزایی بین المللی (ICC)



اشتراکنده گان در ورکشاپ تطبیق اساسنامه محکمه بین المللی جزایی در افغانستان

مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیت ها (APAMR) نهادی غیر دولتی، غیر انتفاعی است که در وزارت پلان دولت انتقالی اسلامی افغانستان رسماً ثبت گردیده است. این نهاد اجتماعی از همان ابتدای تأسیس خود در سال ۲۰۰۰ میلادی، فعالیت های خود را به طور جدی در رابطه با آموزش و گسترش حقوق بشر و بخصوص حقوق اقلیتها، همچنین پیگیری موارد نقض آن رسماً آغاز کرد. البته قبل از سقوط طالبان بیشترین فعالیت هایش در خارج از افغانستان و در بین مهاجرین بوده که از آن جمله می توان به گزارش مفصلی در رابطه به قتل عام مردم یکاولنگ بامیان، - کندی پشت ولایت زابل و کشتار دسته جمعی شمالی اشاره نمود.

شاید بر کسی پوشیده نباشد که نشر این گزارش ها انعکاس بین المللی وسیع را به دنبال داشت. مثلاً، در نتیجه ارسال این گزارش به دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد در جنوا، هیئت خاص از سوی این دفتر به پاکستان اعزام گردیده تا در رابطه با راپور این مجمع تحقیقات خود را آغاز نموده و در صورت امکان با شواهد عینی کشتار یکاولنگ مصاحبه ی مستقیم نمایند. خوشبختانه هیئت خاص دفتر حقوق بشر ماموریتش را به کمک و همکاری این مجمع در پاکستان به نحو احسن انجام داده و با تعدادی از شواهد عینی مصاحبه نمود که گزارش کامل آن در بایگانی این مجمع موجود می باشد.

بین المللی، در بین مهاجرین خارج از کشور شروع نمود. در این مرحله فعالیت های ما عمدتاً توسط دایر کردن جلسات مستقیم با مهاجرین، توزیع اطلاعیه ها و پوستر های تبلیغاتی محکمه میان مهاجرین ایران و پاکستان صورت می گرفت.

نتیجه ی این فعالیت ها بود که نماینده ی اپامر رسماً به جلسه ی متخصصین آسیایی در رابطه با محکمه بین المللی جرایم که از ۹-۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ در بنکاک مرکز کشور تایلند دایر شده بود دعوت گردید. در این اجلاس، آقای داکتر داود نجفی به عنوان نماینده ی مجمع شرکت نموده و به تشریح مواضع و دیدگاه های اپامر در رابطه با ضرورت ایجاد محکمه بین المللی جرایم در آسیا و ویژه در افغانستان، برای حاضرین پرداخته و روی بیانیه ی نماینده ی دولت افغانستان در اجلاس

کشتارهای دسته جمعی در مناطق مختلف افغانستان اعضای موسس اپامر را به فکر سنجیدن راه حلی جهت جلوگیری از ادامه ی این گونه فجایع انداخت. بالأخره و پس از تحقیقات و مباحثات زیاد، تماسهای پیگیری را با دفتر سازمان ملل متحد (UNSC) به عنوان یگانه مرجع قانونی در سطح بین المللی آغاز نمودیم. این دفتر، مجمع ما (اپامر) را به شبکه ی آسیایی برای محکمه بین المللی جرایم (Asian Network for International Criminal Court) معرفی نمود.

در جولای ۲۰۰۱ اپامر با همکاری و کمک مالی انیک (ANICC) اولین کمپاین (مبارزه و تلاش) خود را به منظور شناسایی محکمه ی بین المللی جرایم (ICC) و نیز آشنایی مردم با طرز کار و صلاحیت های این نهاد قضایی

جولای ۱۹۹۸ مبنی بر ایجاد این محکمه ی بین المللی در افغانستان تأکید جدی نموده و توضیح دادند که اگر چنین محکمه ای ۲۰ سال قبل تأسیس می گردید، افغانستان هرگز قربانی تجاوزات خارجی و جنگهای ویرانگری داخلی نمی شد.

بعد از سقوط طالبان و ایجاد دولت موقت در افغانستان، دفتر اپامر با تمامی پرسونل و فعالینش به داخل کشور انتقال یافته و فعالیت های خود را با جدیت بیش از پیش در ولایات مختلف و بخصوص شهر کابل آغاز کرد.

با در نظر داشت تغییرات سیاسی ای که بعد از سقوط طالبان و ایجاد دولت موقت در کشور پدید آمد، اپامر کمپاین غیر رسمی ای را در رابطه با محکمه بین المللی جرایم (ICC) در کابل شروع نموده و در این راستا به دایر نمودن جلسات متعددی با بخشهای مختلف جامعه از جمله روشنفکران مستقل و نمایندگان جامعه ی مدنی، شخصیتهای مهم سیاسی - ملی، استادان دانشگاه، زنان فعال و مبارز، سازمان های مدافع حقوق بشر، اعضای کمیسیون عدلی و قضایی و نمایندگان کشورهای که در رابطه با بازسازی سیاسی - اقتصادی افغانستان سهم و تعهد دارند، مبادرت ورزید. علاوه بر آن، مجمع ما اقدام به ترجمه ی بعضی از اسناد مربوط به محکمه بین المللی جرایم متناسب با توان و امکانات خود نموده و حتا المقدور آنها را جهت آگاهی همگانی منتشر ساخت.

افغانستان در سالهای گذشته خصوصاً در سه دهه ی اخیر، شاهد جنایات متعددی بوده که توسط دولت ها و فرماندهان مسلح صورت می پذیرفته که دولتهای گذشته در مقابله با

آنها یا اغماض می نموده و یا در رابطه با مهار و جلوگیری از این جرایم ناکام بوده اند. در حالی که مردم افغانستان شدیداً انتظار روزی را می کشند که نهادی معتبر، مشروع و مقتدر، جرایم و جنایات اتفاق افتاده در گذشته را مورد تحقیق قرار داده و عاملین آن به دادگاه کشند.

با آنکه مردم زجر دیده ی کشور ما بارها و در هر مناسبتی این خواسته ی بحق خود را آشکارا و بطور شفاف بیان داشته اند، متأسفانه هیچ یک از دولت های موقت و انتقالی علیرغم پیوستن به محکمه بین المللی و امضا و تصویب آن، طی حدود سه سال حاکمیت شان، به این موضوع نپرداختند (و یا بنا به مصلحت هایی نخواستند). علاوه بر دولت، جامعه ی جهانی و سازمان ملل متحد هم هیچگاهی این مسئله را مطرح نساخته و حتا طی این مدت در راستای معرفی ICC هم کوچکترین گامی بر نداشته اند. گرچه تلاش برای تصویب اصولنامه ی روم توسط دولت افغانستان از نظر مجمع ما یک گام مثبت در راستای جلوگیری از تکرار و تداوم جرم و جنایت بزرگ و مهم به شمار رفته و آنرا حرکتی بازدارنده تلقی می نماید، اما توقف در این حد را کافی نمی داند. بخصوص این که اینگونه حرکت ها (تصویب چیزی و عدم پیگیری و عمل به آن) می تواند مردم را نسبت به هرگونه تصمیم و تلاشی از این قبیل بی اعتماد و بی باور سازد. بکه نتایج بسیار منفی را بدنبال خواهد داشت.

دیدگاه جامعه ی مدنی افغانستان

نمایندگان اپامر، در ملاقات با نمایندگان جامعه ی مدنی افغانستان دریافت که با وجود معلومات بسیار ناچیزی که جامعه ی مدنی

افغانستان در باره ICC دارد، این قشر دلچسپی و علاقه ی خاصی از خود در رابطه با این محکمه ی بین المللی و فعالیت های آن نشان می دهد. موضوع بیش از هر چیزی، بیانگر ضرورت ایجاد و فعالیت محکمه بین المللی جرایم در افغانستان بوده و ما را به تلاش هر چه بیشتر جهت رفع کمبودها و نیازمندی های اطلاعاتی (معلوماتی) در این مورد واداشت.

در ۹ مارچ ۲۰۰۲ یک کنفرانس ملی در رابطه با ایجاد کمیسیون حقوق بشر به کمک ملل متحد در کابل تشکیل شد که نماینده ی اپامر نیز در این کنفرانس شرکت نمود. در جریان کنفرانس، نماینده ی اپامر مسئله ی تصویب اصولنامه ی روم توسط دولت افغانستان را مطرح کرد که تمام شرکت کنندگان کنفرانس و بویژه نمایندگان جامعه ی مدنی، فعالین حقوق بشر و اعضای بلند رتبه ی دولت از موضوع طرح شده حمایت نمودند. داکتر سیماسمر رییس کنفرانس و معاون ریاست دولت موقت موافقت نمود تا موضوع مطروح شده در رابطه با محکمه بین المللی جرایم را به کابینه جهت تصویب مطرح نماید.

در طول سال ۲۰۰۲ اپامر کمپاینی را به خاطر تصویب اصولنامه ی روم توسط دولت افغانستان به صورت جدی آغاز نموده و آن را در رأس برنامه های کاری خود قرار داد. به همین منظور ملاقاتها و مشوره هایی را با مراجع ذیربط دولتی، کمیسیون مستقل حقوق بشر و کشورهای که در امر بازسازی سیاسی - اقتصادی افغانستان سهم فعال دارند، انجام داده که نتایج بسیار مثبتی را در پی داشت. کشورهای فند دهنده و خصوصاً نماینده های کشورهای اروپایی از تلاش ما به صورت جدی پشتیبانی نمودند. نماینده ی خاص اتحادیه ی

پاسخ مثبت داده باشد، ورکشاپ دومی را به کمک مالی Forum Asia به تاریخ ۲ و ۳ اگست ۲۰۰۳ در هتل سپین زر کابل برگزار نمود که این بار و بنا به ضرورت تعداد بیشتری دعوت گردیدند. موضوع ورکشاپ دومی، معرفی و تطبیق اصولنامه ی روم در افغانستان بود. آقای کریمی وزیر عدلیه، معاون ستره محکمه آقای معنوی و معاون لوی سارنوالی از جمله سخنرانان روز اول ورکشاپ بودند که هریک پشتیبانی خود را از تطبیق اصولنامه روم اعلام کردند. شرکت کنندگان این ورکشاپ متشکل از مقامات ذیربط دولتی چون وزارت عدلیه، ستره محکمه، لوی حارنوالی، وزارت داخله، اکادمی علوم، فاکولته حقوق و علوم سیاسی، انجمن حقوقدانان و سایرین بود.

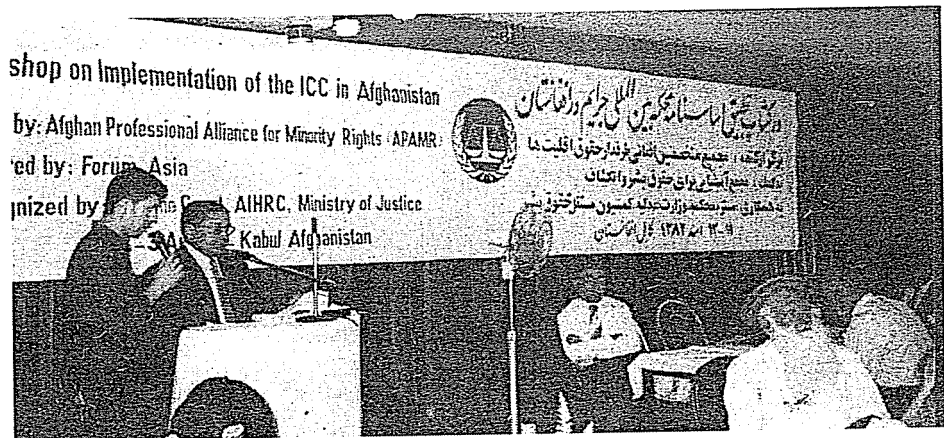
در ورکشاپ دومی شرکت کنندگان علاقه ی خاصی به موضوع تطبیق اصولنامه ی روم نشان داده که این موضوع در واقع نشان دهنده ی خواهش و علاقه ی زیاد مردم افغانستان به تطبیق عدالت می باشد.

اپامر برای اینکه بتواند کار روی مسوده قانون تطبیقی محکمه جزایی بین المللی را آغاز نماید نیاز به بودجه ی کافی داشته که در این رابطه گامهای اولیه برداشته شده و تعدادی از مواد مربوط به محکمه بین المللی جرایم تنها به یکی از زبان های رسمی افغانستان ترجمه شده و برای ادامه ی کار، نیاز به زمان و امکانات بیشتری می باشد. البته در این راستا، گروپ کاری ای که بتواند مسوده را بنویسد شناسایی شده که خود نیازمند امکانات بیشتری است. بنا بر این، ما امیدواریم تا تمامی علاقه مندان در این راستا از همکاری با ما دریغ نمایند.

المللی جرایم در کابل برگزار نمودیم. در این ورکشاپ نماینده های ارگانهای ذیربط قضایی چون معاون وزیر عدلیه، نماینده ی ستره محکمه، لوی سارنوالی، وزارت داخله، اکادمی علوم، حقوقدانان، سارنوالان، فعالین حقوق بشر، سازمان های مدافع حقوق بشر، نمایندگان سازمانهای بین المللی، نمایندگان سفارتخانه های خارجی مقیم کابل اشتراک ورزیدند که کار ورکشاپ با بیانیه ی افتتاحیه

اروپا برای افغانستان به صورت رسمی از دولت افغانستان تقاضا نمود تا اصول نامه ی روم را تصویب نماید، که در فرجام تمامی این تلاشها، دولت افغانستان متقاعد شد تا اصولنامه ی یاد شده را در تاریخ ۱۰ فبروری ۲۰۰۳ رسماً تصویب کرده و آن را رسماً اعلام نماید.

همان گونه که قبلاً هم اشاره گردید، طی ملاقاتهایی که با مقامات دولتی و نمایندگان



ی داکتر سیما سمر رییس کمیسیون حقوق بشر آغاز شده و نیز نماینده ی اتحادیه اروپا و معاون وزیر عدلیه ی دولت انتقالی اسلامی سخنانی ایراد نمودند. آموزگاران بین المللی در مدت دو روز تمامی معلومات لازم را به شرکت کنندگان آموزش داده و در آخر به سوالات حاضرین جواب های مفصل ارائه نمودند. این ورکشاپ که در نوع خود از نادرتهای به شمار می رفت بسیار مورد پذیرش و دلچسپی شرکت کنندگان قرار گرفت و تمامی شرکت کنندگان خواهان برگزاری ورکشاپ های دیگری شدند. راپور مفصل ورکشاپ ها به صورت جداگانه چاپ شده است. اپامر برای اینکه توانسته باشد به خواست شرکت کنندگان ورکشاپ اولی

جامعه ی مدنی، فعالین حقوق بشر و حقوقدانان صورت گرفت، دریافتیم که معلومات و آگاهی در باره ی محکمه بین المللی جرایم در بین اقشار مختلف اجتماعی و حتا حقوقدانان و فعالین حقوق بشر بسیار ناچیز بوده، طوری که بعضی وقت ها بین محکمه ی بین المللی عدالت در لاهه و ICC مغالطه صورت می گرفت. بنا بر این ما ضرورت جدی ورکشاپ آموزشی در باره ی محکمه بین المللی جرایم را درک نموده و برای برگزاری آن تلاشی را به راه انداختیم. بالأخره در تاریخ ۱۲-۱۳ اپریل ۲۰۰۳ با کمک مالی شبکه ی آسیایی برای محکمه ی بین المللی جرایم (ANICC)، اولین ورکشاپ آموزشی دو روزه را در رابطه با معرفی محکمه ی بین

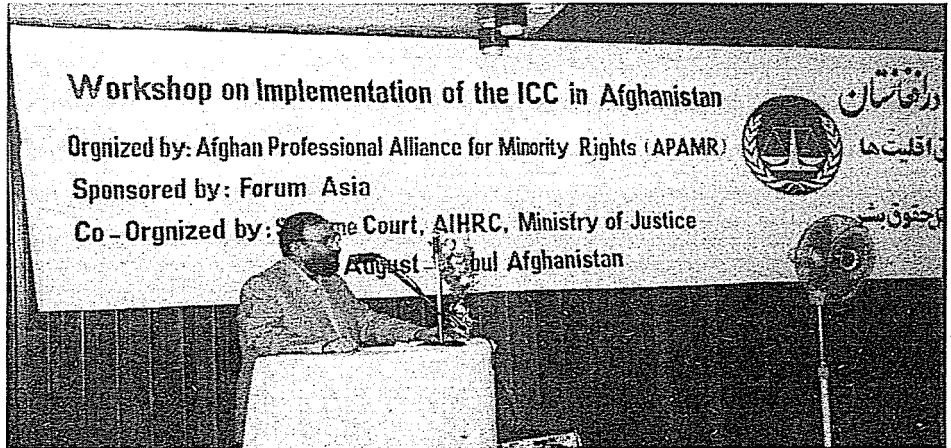
فشرده از سخنرانی محترم عباس کریمی وزیر عدلیه دولت انتقالی اسلامی افغانستان

خواهران و برادران

در ورکشاپ تطبیق اساسنامه
محکمه جزایی بین المللی

ورکشاپ امروزی غرض بررسی و تطبیق محکمه ی جزایی بین المللی در افغانستان دایر گردیده است. نمایندگان دولت انتقالی

مرزها و سرحدات شکسته و یا تضعیف گردیدند، تحولات و دیگر گونی های فضای را بدنبال داشت که در نتیجه جهان را به قدر کافی کوچک ساخت.



اسلامی افغانستان، اساسنامه ی رُم را امضاء نموده و این کشور در همکاری با این محکمه متعهد می باشد. از آنجایی که بناستی درجلسهی وزرای کابینه که امروز غرض بحث و گفتگو روی قانون احزاب سیاسی تشکیل گردیده است، اشتراک نمایم، بناءً بسیار وقت کم دارم. باآنها بصورت مختصر راجع به قوانین جزایی ملی و بین المللی صحبت خواهم کرد. فعلاً که خوشبختانه محکمه تاسیس شده و قوانین جزایی بین المللی هم جدیداً وضع گردیده اند، دوست دارم نگاه مختصری به تاریخچه ی محکمه جزایی بین المللی داشته باشم. مفکوره ی ایجاد یک چنین محکمه ی بین المللی، پیش از مسئله ی "جهانی شدن" به وجود آمده بود. بعد از آنکه شرکت های چند میلیتی بوجود آمد و مسئله "جهانی شدن" مطرح گردید،

مسئله ی تروریزم و جنایت های بین المللی نیز به عنوان نتایج منفی تمدن و جهانی شدن، ضرورت ایجاد یک محکمه ی بین المللی را تسریع نمود. مردم جهان چه بدانند و چه

مسئله ی تروریزم و جنایت های بین المللی نیز به عنوان نتایج منفی تمدن و جهانی شدن، ضرورت ایجاد یک محکمه ی بین المللی را تسریع نمود.

ندانند، شما دانشمندان و مردم عزتمند این سرزمین شاهد بودید که چگونه گروه های متعددی از کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی وارد کشور ما گردیده، جنگها، نزاع ها، کشتارها، تخریبات و سیاحت های "زمین سوخته" را بوجود آوردند. آنها کسانی بودند

که از کشورهای مختلف امریکایی، اروپایی و آسیایی آمده بودند. بناءً اگر ما بخواهیم که آنان مجازات شوند، کی و چه نهادی آنان را محاکمه و مجازات خواهد کرد؟ یک محکمه ملی یا بین المللی؟ بر همین اساس، ایجاد یک محکمه ی بین المللی جزایی، یکی از ضرورت های عاجل قضایی و تقنینی کشورهای جهان بود. چون در بعضی موارد، قوانین جزایی ملی و همچنین محاکم ملی نمی توانند وارد عمل شوند، بلکه درهمچو مواردی وظیفه ی جامعه ی بین المللی و محاکم فراملی است که باید تصمیم بگیرند. به عنوان مثال، پیش از یوستن افغانستان به محکمه جزایی بین المللی، برای این کشور بسیارمشکل بود که اتباع کشورهای دیگر را که در قالب تنظیم های تروریستی مرتکب جنایت های غیر انسانی و شیع در خاک این کشور شده بودند، محاکمه و

مجازات نماید. چون در آن صورت کشور ما یکی از طرفین دعوا قرار می گرفت. ولی باوجود یک محکمه بین المللی جزایی، این مشکل به آسانی قابل حل می باشد. ازطرف دیگر، باهمکاری این محکمه قضات و حارنوالان ما تعلیم و تربیت یافته و تجارب

که در شعاع و روشنی ضوابط بین المللی دارای روابط حسنه با همسایگان و سایر کشورهای جهان باشد. همچنین با حمایت و همکاری جامعه ی بین المللی به هیچ تروریست، افراط گرا و مرتجعی که در واقع دشمنان مردم این سرزمین اند اجازه نخواهد داد که از این کشور به عنوان پناهگاهی مناسب برای اعمال ضد انسانی شان استفاده کنند.

در پایان سخنانم از برگزارکنندگان و شرکت کنندگان این ورکشاپ صمیمانه سپاسگزاری می نمایم. در اینجا من با صراحت و جدیت اعلام می دارم که وزارت عدلیه ی دولت انتقالی اسلامی افغانستان با تمامی توان از ابتکارات شما (برگزار کنندگان ورکشاپ) حمایت نموده و مجدداً روی تعهداتش نسبت به محکمه جزایی بین المللی تأکید می نماید. این وزارت بیشترین تلاش خود را در راستای به محاکمه کشاندن و مجازات مجرمین در سطح ملی و بین المللی به کار خواهد بست.

تشکر از توجه تان

والسلام علیکم ورحمته الله!

کشور ما را در سطح بین المللی افزایش خواهد یافت. به همان میزان که آگاهی های ما با همکاری این ارگان بین المللی افزایش می یابد، مشکلات داخلی و ملی ما نسبت به قوانین و محاکم جزایی نیز تقلیل و کاهش خواهد یافت. به همین علت، ما محکمه ای را که هم اکنون کشور ما به آن پیوسته است کاملاً مورد حمایت و پشتیبانی قرار داده و محاکمه ی مجرمینی را که مجازات آنان در توان کشور ما نیست، توسط این محکمه تأیید می نمایم. اگر دست همکاری محکمه جزایی بین المللی پشت سر دولت و مردم ما قرار نداشته باشد ما در مقابل تروریزم بین المللی عاجز خواهیم بود، چون قدرت تروریزمی که در دوران اشغال و همچنین جنگ های داخلی در افغانستان رشد نموده و فعلاً هم دست به قاچاق مواد مخدر زده، افراط گرایی و تروریزم را توسعه می دهد، قویترین تهدید نسبت به امنیت جهانی می باشد که هنوز از افغانستان ریشه می گیرد. لکن خوشبختانه، فعلاً یک امنیت ملی در افغانستان و نیز در سطح بین المللی بوجود آمده است.

امنیت بین المللی زمانی به خطر می افتد که کشوری نتواند در سطح ملی امنیت داشته باشد. مثلاً در زمان حاکمیت طالبان، امنیت کشور و همچنین امنیت مردم ما تأمین نبود و شما دیدید که تروریستان فعالیت های تروریستی شان را در نایروبی، دارالسلام و بروندی از این کشور طراحی و اداره می نمودند. گرچه این اعمال در ذات خود بد و منفور بودند ولی موجب شد که توجه جامعه ی جهانی را به کشور ما بدلیل پرابلم هایی که از ناحیه ی عناصر افراط گرا، تروریست و جنایت پیشه به وجود آمده بودند، جلب نماید. مداخله ی جامعه جهانی در کشور ما موجب شد که مردم این سرزمین از چنگ گروه های متعصب و مرتجعی که دارای افکار و عقاید فاسد بوده و با تمام ارزشهای جهانی و مظاهر رشد، ترقی و پیشرفت مخالفت می کردند، رهایی یابد. به هر حال آنان سقوط نموده و سرکوب گشتند و انشاءالله هر فردی که دارای چنین عقاید و رفتارهایی باشد - چه در داخل و چه خارج مملکت - نیز سرکوب خواهد شد و افغانستان به کشوری قانونمند و جزئی از جامعه ی جهانی تبدیل خواهد شد

ما محکمه ای را که هم اکنون کشور ما به آن پیوسته است کاملاً مورد حمایت و پشتیبانی قرار داده و محاکمه ی مجرمینی را که مجازات آنان در توان کشور ما نیست، توسط این محکمه تأیید می نمایم. اگر دست همکاری محکمه جزایی بین المللی پشت سر دولت و مردم ما قرار نداشته باشد ما در مقابل تروریزم بین المللی عاجز خواهیم بود،

گزارشی از

ورکشاپ

و

مستقبل

APAMAR



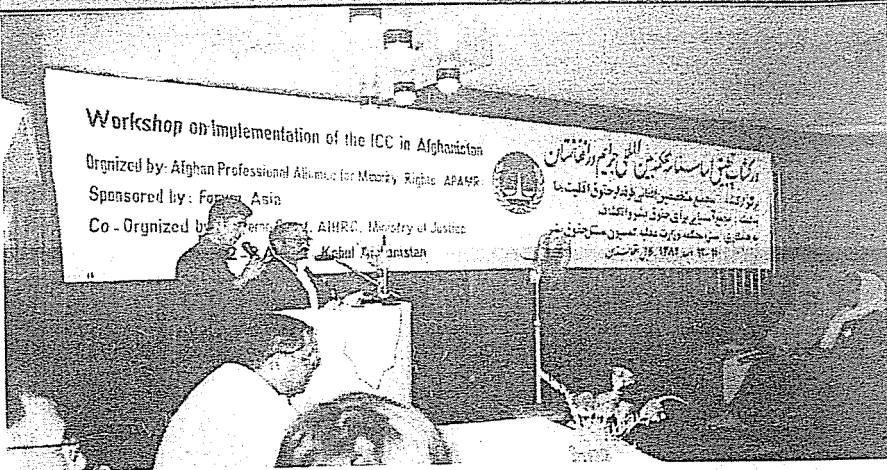
کابل

طی سال گذشته مجمع متخصصین افغانی برای حقوق اقلیتها (APAMR)، تلاش های وسیعی را جهت پیوستن افغانستان به محکمه جزایی بین المللی، به کار گرفت. این تلاش و کمپاین ها در هماهنگی نزدیک با نهادهای بین المللی ذیربط مانند شبکه آسیایی برای محکمه جزایی بین المللی (ANICC) و ائتلاف محکمه جزایی بین المللی (CICC) صورت پذیرفت که نهایتاً به الحاق افغانستان به محکمه جزایی بین المللی منجر گردیده که در تاریخ ۱۰ فیروزی ۲۰۰۳ کابینه ی دولت انتقالی اسلامی آن را تصویب و رسماً اعلام نمود. این حرکت از جانب مؤسسات و ارگان هایی که در رابطه با حقوق بشر فعالیت می نمایند، به عنوان گام بسیار مهمی به سوی حفظ و رعایت حقوق انسانی افراد در شعاع قانون، با استقبال گرم روبرو شد. پیوستن کشور ما به ICC بدین معنی است که پس از این، افغانستان از جمله کشورهایی است که باید در راستای تطبیق و عملی ساختن اساسنامه ی رُم و اصول محکمه جزایی بین المللی، از هیچگونه تلاشی دریغ ننموده و باید گامهای اساسی و استوای را در جهت حاکمیت قانون در تمامی سطوح مملکتی بردارد. این امر با توجه به وضعیت وخیم و نگران کننده ی حقوق بشر در ولایات و مناطق دور دست، دولت را مکلف می سازد تا از سویی مردم را راجع به حقوق شان آگاه سازد و از سوی دیگر، در رابطه با موجودیت محکمه ی بین المللی ای که برای محاکمه ی جنایت کاران در سطح بین المللی از اقتدار و توانمندی لازم برخوردار می باشد، اطلاعات لازم را در اختیار مردم قرار داده و آنها را امیدوار سازند که منبع هیچ جنایتی بدون

مجازات باقی نخواهد ماند.

در گام بعدی، با در نظر داشت این فاکت ها، مجمع متخصصین افغانی برای حقوق اقلیتها (APAMR) که یک مؤسسه ی غیر دولتی، غیرانتفاعی و مستقل می باشد، کمپاین وسیعی را جهت آموزش مردم افغانستان در باره ی این محکمه براه انداخت تا شهروندان کشور از ابتکار جدید دولتمردان شان آگاه شوند. در همین راستا در تاریخ ۱۲ و ۱۳ اپریل ۲۰۰۳، با همکاری شبکه ی آسیایی برای محکمه جزایی بین المللی برنامه ی آموزشی ۲ روزه ای را در هتل بین المللی کابل واقع در شهر نو برگزار نمود. در این پروگرام آموزشی (ورکشاپ)، نماینده هایی از وزارت امور داخله، وزارت عدلیه، وزارت امور خارجه، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، لوی حارنوالی، ستره محکمه، کمیسیون اصلاحات عدلی و قضایی، نماینده ی فاکولته ی حقوق دانشگاه کابل، اکادمی، اعضای انجمن حقوقدانان افغانستان و نمایندگان سازمان های غیر دولتی اشتراک ورزیده بودند. هم چنین تعداد ی از ارگان های سازمان ملل متحد مانند یونیسف، یوناما، یونیمف و نمایندگان سازمانها و ارگان های فعال در راستای حقوق بشر از قبیل سازمان نظارت بر حقوق بشر، سازمان عفو بین الملل، گروه بین المللی بحران و نماینده ی خاص اتحادیه ی اروپا، نمایندگی های دیپلماتیک کشورهای خارجی نیز به عنوان ناظر و یا سخنران در پروگرام سهم گرفته بودند.

روز اول پروگرام با سخنرانی افتتاحیه ی محترم امان الله ابدالی سکرتر جنرال اپامر رسماً آغاز یافت. ایشان در بخشی از سخنان شان با تأکید روی اهمیت محکمه جزایی بین



المللی گفتند: خوشبختانه افغانستان فعلاً یکی از کشورهای است که اساسنامه ی ژم را امضاء کرده و رسماً به محکمه ی بین المللی پیوسته است. این بدین معنا است که از این پس جنایت هایی مانند قتل عام، نسل کشی، تجاوز، جنایتهای جنگی اعمال شده علیه غیر نظامیان، شکنجه، بدمرتهای جنسی و... نه تنها به دست فراموشی سپرده نمی شوند، بلکه به صورت جدی تحت تعقیب و پیگرد قرار خواهند گرفت. پس از آن محترم داکتر

سیماسر رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و مهمان خصوصی این ورکشاپ ایراد سخن نمود. در بخشی از سخنان وی آمده است: "آحاد جامعه ی بشری بدون کدام تبعیض و تمایز نژادی، قومی، مذهبی، سمتی، زبانی و... آزاد خلق شده اند". وی ضمن تأکید روی نقش بازدارنده ی محکمه جزای بین المللی، علاوه نمود: "طی پنجاه سال گذشته بیشتر از ۸۶ میلیون انسان بر اثر جنگها و نزاع ها در سراسر جهان جان شانرا از دست داده و زندگی بیش از ۱۷۰ میلیون انسان به نحوی از انحا از این جنگ ها متأثر شده است اما تا هنوز تمام عاملین این فجایع بدست عدالت سپرده نشده اند. بنابراین با وجود محکمه جزای بین المللی، هیچ یک از این موارد جنایت، بدون تعقیب، پیگرد، محکمه و مجازات باقی نخواهد ماند".

سخنران بعدی محفل محترم داکتر داود نجفی، رئیس اپامر و نماینده ی شبکه ی آسیایی برای محکمه جزای بین المللی (ANICC) بود. وی ضمن عرض خیر مقدم به مهمانان شرکت کننده ی داخلی و خارجی، همچنین ابراز امتنان از همکاری ارگانهای بین المللی خصوصاً شبکه ی آسیایی برای محکمه

جزای بین المللی در جهت برگزاری ورکشاپ، گفت: "محکمه جزایی بین المللی در افغانستان یک پدیده ی نو و تازه می باشد. بناءً نیاز شدید به معرفی و تطبیق دارد. این مسئولیت ارگانهای ذیربط است تا این محکمه را برای مردم افغانستان تعریف و تشریح نموده، جهت تطبیق و عملی ساختن آن تلاش نمایند". ایشان جهت برآورده شدن این مأمول، ایجاد پروگرامها و کمپاین های آموزشی، برگزاری کنفرانس های ملی و ایجاد تغییرات در سیستم قضایی و عدلی را مؤثر و کار آمد دانست.

سایر سخنرانان ورکشاپ عبارت بودند از:
- محترم اشرف رسولی، معین وزارت عدلیه
- انگر اکسیل، مشاور ارشد حقوق بشر دفتر نمایندگی خاص اتحادیه ی اروپا برای افغانستان
- و کرام پیریک، تحلیل گر ارشد گروه بین

المللی بحران

- محمد فیروزی، نشنل آفیسر یوناما
- محترمه ناجیه زیوری، نشنل پروگرام آفیسر یونیفیم
- محترم عزیز حق، مشاور در گروه بین المللی بحران

هر یک از سخنرانان راجع به موضوعات مشخص ومعینی از قبیل پس منظر تاریخی اساسنامه ی ژم، نقش سازمان ملل در ایجاد محکمه جزای بین المللی، ابعاد زوایای مربوط به جنسیت در اساسنامه ی ژم، ساختار و ترکیب محکمه جزای بین المللی و... به ایراد سخن پرداختند. هم چنین در روز ۱۳ اپریل (روز دوم ورکشاپ) محفل با سخنان محترم حسن محمود، آمر در بخش سیاسی یوناما آغاز شده و برنامه ی کاری آن با سخنان ایک ویش واسیلاکستروگیوانی آمر در بخش حمایت اطفال یونیسف، مارگریت لندر از سازمان عفو بین الملل زاوید محمود، محترم احمد نادر نادری یکی از اعضای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، هنگامه انوری عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان طی گروههای کاری مختلفی ادامه یافت.

قابل یاد آوری است که به منظور تطبیق اساسنامه ی رم در افغانستان و با هدف آموزش و آگاه ساختن افراد مسلکی کشور و ارگانهای ذیربط مانند وزارت عدلیه، ستره محکمه، لوی حارنوالی، وزارت امور داخله و سایر نهاد های دولتی و غیر دولتی نسبت به

محکمه جزای بین المللی و به منظور بررسی استراتژی آینده برای تطبیق این محکمه و جهت شرکت دادن هر چه بیشتر مقامات کشوری در کمپاین محکمه جزای بین المللی و توسعه ی صلاحیت های قضایی آن در افغانستان، در تاریخ ۲-۳ ماه اگست ۲۰۰۳، مجمع متخصصین افغانی برای حقوق اقلیتها (اپامر)، با حمایت شبکه ی آسیایی محکمه جزای بین المللی (ANICC) ورکشاپ دو روزه ی دیگری را در شهر کابل برگزار نمود. این ورکشاپ نیز از جانب وزارت عدلیه، ستره محکمه ی دولت انتقالی اسلامی افغانستان و کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مورد تشویق و حمایت قرار گرفته و در آن جمع کثیری از نمایندگان ارگان های ملی و بین المللی، سازمانهای حقوقی و

نمایندگی های کشورهای مختلف شرکت نموده بودند. در این ورکشاپ دو روزه نیز، محترم عباس کریمی وزیر عدلیه دولت، محترم فضل احمد معنی ستره محکمه، محترم احمد نادر نادری سخنگوی کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، محترم داکتر داود نجفی رئیس اپامر، محترم داکتر احمد ضیاء الدین برگزارکننده شبکه ی آسیایی برای محکمه بین المللی جرایم و محترم ایلین سرانو هماهنگ کننده ی آسیایی ائتلاف برای محکمه بین المللی جرایم، روی موضوعات مختلف سخنرانی کردند. ورکشاپ مذکور طی گروپ های کاری مختلف طی دو روز ادامه یافته و موفقانه با دستاوردهای مثبت خاتمه یافت. در پایان ورکشاپ محترم داکتر داود نجفی از شرکت کنندگان خواست تا

راجع به پرسش های زیر فکر نموده توصیه های لازم را جهت بهبود استراتژی آینده ارائه نمایند:

اولاً: باتوجه به قوانین ملی افغانستان، چه ابتکاراتی باید جهت تطبیق اساسنامه ی رم روی دست گرفته شوند؟

ثانیاً: در صورت تطبیق محکمه جزای بین المللی در افغانستان، امکانات و نحوه ی ارجاع موارد جنایت را به این محکمه چگونه می بینید؟

ثالثاً: وضعیت قربانیان در افغانستان را

چگونه مورد ارزیابی قرار داده و به نظر شما برای حل مشکلات آنان، چه راهکارهایی باید روی دست گرفته شوند؟

سخن سخنرانی آقای معنی ستره محکمه دولت انتقالی اسلامی افغانستان

به مناسبت ورکشاپ تطبیق اساسنامه محکمه بین المللی جزایی

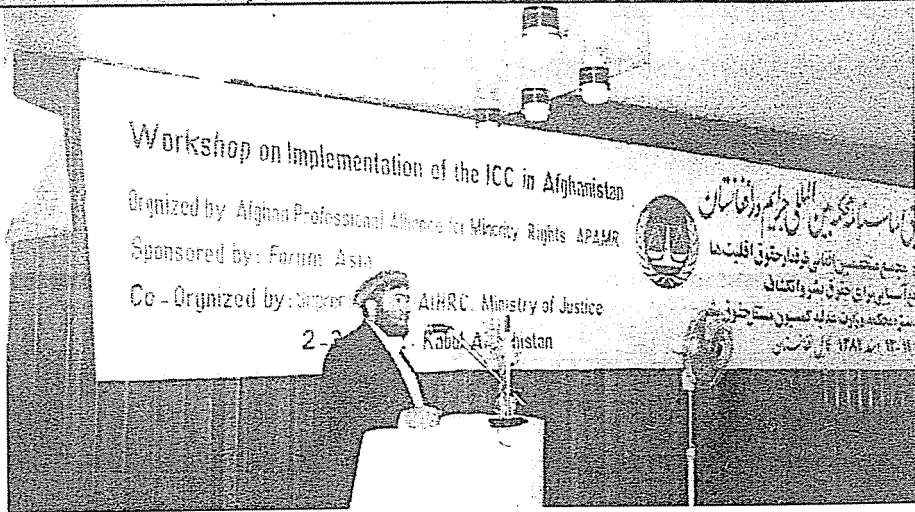
در زیر تشریحی از سخنرانی محترم معنی ستره محکمه ی دولت انتقالی اسلامی افغانستان که در ورکشاپ تطبیق محکمه جزای بین المللی در کابل برگزار شده است، درج شده است.

بنام خداوند مهربان

می خواهم به صورت مختصر روی یک اصل صحبت کنم و آن اصل عبارت از این است که جرم، جرم است در هر جایی که صورت گرفته باشد و مجرم هم مجرم است،

فرق نمی کند هر کسی که باشد. این یک اصل مسلم در زندگی است. ایجاد و اعمال قوانین جزایی و همچنین مجازات نمودن جنایت پیشه گان معنایش اصلاح جامعه می باشد. هر فرد انسانی حق دارد که در جهان زندگی نماید و زندگی اش توأم با امنیت و آرامش باشد. مطابق فرمایش پروردگار عالم، بشر همزمان با جرم و خطا آفریده شده است. درست زمانی که انسان آفریده شد، جنایت هم بوقوع پیوست. لیکن جرایم و جنایات همیشه به دنبال خود، قانون، تعقیب و مجازات را داشته اند. به عنوان نمونه، ما مسلمانان

معتقدیم که حضرت آدم اولین فردی بود که در این عالم محاکمه شد. قرآن شریف با توجه به اینکه معتبر ترین منبع میباشد، صراحتاً بیان می دارد که حضرت آدم اجازه داشت تا از هر چیزی که بخواهد، بخورد مگر از گیاه ممنوعه. در اینکه آن گیاه گندم بود و یا چیزی دیگر، اختلاف نظر وجود دارد. این زمانی است که امتحان و آزمایش شروع می شود و عمل ارتکاب خطا نیز از همین جا آغاز می شود. حضرت آدم (ع) هم چون فردی از افراد بشر بود، اشتباه کرده از درخت ممنوعه استفاده کرد. بناءً مجبور شد که روی کره ی



باید مشورت صورت می گرفت که آیا این کشور برای پیوستن به این محکمه پیش شرط هایی دارد و یا خیر؟ من به عنوان نماینده ی نظام قضایی افغانستان تا کنون از هیچ پروتوکولی در این زمینه آگاهی نداشتم و بیشتر از آن چیزی که مردم عادی از محکمه ی بین المللی می دانند وی شنیده اند، نشنیده بودم. من معتقدم که برخوردهای سطحی و احساساتی با مسایل بین المللی - که متأسفانه فعلاً در افغانستان رایج است - عواقب بسیار منفی ای بدنبال خواهد داشت. بنده شخصاً براین باورم که مردم افغانستان حق دارند تا در امور بین المللی و میثاق هایی که خارج از مرز های این کشور انعقاد می یابند، صاحب نقش باشند. با اینکه با مسئله ی محکمه کیفری بین المللی سطحی و احساساتی برخورد صورت گرفته، ولی امیدوارم دستاوردهای خوبی داشته باشد. طوریکه قبلاً اشاره کردم، بنده در اصول، با ایجاد محکمه جزای بین المللی، جهت تعقیب و محاکمه ی مجرمین در سطح بین المللی، موافقم و این محکمه باید مواردی را که محاکم ملی کشورها قادر به بررسی آن نیستند، تعقیب و پیگیری نماید. گرچند هر کشور نظر به فرهنگ و عنعناتش، خصوصیت ها و ویژگی های مخصوص به خود را دارد،

صدمات را از اثر مداخلات خارجی متحمل شده و طی این دوران موارد زیادی از جنایت ها وجود دارند که افغانستان به تنهایی قادر به تعقیب آنها نبوده و در این زمینه نیاز به یک محکمه ی بین المللی است تا جرایم صورت گرفته در سطح بین المللی را مورد بررسی و تعقیب قرار دهد. بلی! در اینجا مسئله ی تأسف آوری نیز وجود دارد که می خواهم آن را تذکر دهم.

از موسسه ی حقوق اقلیت ها که امید وارم نامش را درست گفته باشم (منظور مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیتها - APAMR - می باشد)، به خاطر برگزاری ورکشاپ امروزی، سپاس گزارم. ولی باید بگویم که مسایلی از این قبیل که نیاز به همکاری دوجانبه ی محاکم افغانستان و محکمه های بین المللی دارد، باید در لویه جرگه (شورای بزرگ) فیصله گردد. تشکیل این محکمه (ICC)، یک امر بسیار مهم بین المللی بوده و مردم افغانستان باید روی الحاق این کشور به آن تصمیم می گرفتند. اگر لویه جرگه در این زمینه تصمیم نگرفته بود، باید حد اقل شورای ملی و یا پارلمان افغانستان آنرا فیصله می کرد و یا حین الحاق افغانستان به این محکمه، با ستره محکمه ی این کشور

خاکی (زمین) زندگی نماید. اوهیج وقت نتوانست که از رنج و ناراحتی خلاصی یابد مگر زمانی که توبه کرد و توبه اش هم از جانب خداوند بزرگ قبول شد. از همین جا است که ما عقیده داریم جرم و مجازات در طول زندگی انسانها وجود داشته است، در حالی که جهان ما به سرعت بسوی تبدیل شدن به یک دهکده ی کوچک پیش می رود، ما نیاز مبرم به یک مکانیزم جهانی جهت احتوای مسایل مربوط به جرایم و مجازات داریم. چون به نظر ما تمام افراد بشر مانند اعضای یک بدن است، یعنی هر جنایتی که در هر گوشه و کنار جهان صورت بگیرد، روی زندگی افرادی که در گوشه های دیگر عالم زندگی می نمایند، تاثیر گذاشته و در نتیجه بی نظمی ها و نامالیماتی را در جامعه ی بشری بصورت کل بر جا می گذارد. بدون در نظر داشت اینکه افراد و جوامع دارای کدام نوع فکر، عقیده و طرز زندگی باشد. بنا بر این، ایجاد یک محکمه ی کیفری بین المللی به منظور پاسخ گفتن به این نیاز، یک امر نیکو می باشد. همان طوریکه تکنالوژی جدید انسانها را به همدیگر نزدیک می سازد، روند اشاعه ی جنایات و بزهکاری ها هم سرعت گرفته و همزمان بارشد سرسام آور ارتباطات، جرایم نیز شکل سازمان یافته تری بخود می گیرد؛ چون جنایت همیشه در زندگی انسانها وجود دارد. از همین جهت ما این امر را به عنوان یک مشکل فراگیر در نظر گرفته و در صدد ایجاد یک مکانیزم بین المللی برای اجرای عدالت می باشیم. چون وجود این ساختار، به یکی از ضرورت های مبرم زمان ما تبدیل شده است. خصوصاً طوریکه وزیر محترم عدلیه فرمودند، مملکت ما بیشترین

با آنهم تعدادی از نارمهای بین المللی در قوانین ملی و داخلی کشور ما وجود دارد. در این رابطه لازم می بینم تا به صراحت بگویم که - من مطمئن هستم که اکثر حاضرین قانوندان هستند و در جریان قرار دارند - کشور ما دارای بهترین، غنی ترین و استانداردترین قانون در سطح منطقه می باشد. پس ما قانون داشتیم ولی نتوانستیم آنرا تطبیق و عملی سازیم. به نظر من، معیارهای قوانین بین المللی همین اکنون در ساختار قوانین جزایی ما وجود دارد اما با آن هم، هر کشوری بدون استثنا، خصوصیات فرهنگی و عنعنوی خاص خود را دارا می باشد. از همین جا است که حمایت از ایجاد یک محکمه ی بین المللی و همکاری محاکم افغانستان با آن، به این معنا نیست که موارد جنایت و جنایت کاران به بهانه ی اینکه افغانستان پس از جنگ قدرت رسیدگی به آن را ندارد، به این محکمه سپرده شود. بلکه مواردی به این محکمه سپرده خواهد شد که بیرون از ظرفیت و توانایی محاکم ملی کشورها باشد. این هم در صورتی است که محکمه ی جزایی بین المللی، آن موارد را بپذیرد. بنده ضمن مطالعه و بررسی اساسنامه ی رُم متوجه شدم که اولین کشورهای امضاء کننده ی آن، کشورهای فقیر بودند. بناءً من به ثبات و دوام این محکمه، خیلی مطمئن نیستم. مگر اینکه این محکمه بتواند اتباع کشورهای قدرتمند و ضعیف را مساویانه تعقیب و محاکمه نماید. همچنین از طریق بعضی مطبوعات و رسانه ها شنیده ام که تعدادی از کشورهای قدرتمند خواهان مصونیت و معافیت برای اتباع شان از جانب محکمه ی مذکور می باشند.

در کشور ما هم طوریکه معمول است، کسانی که به قدرت می رسند، علیه مردم بی چاره و مظلوم تحت عنوان قانون و عدالت،

مرتکب جنایت می شوند و بعد هم به آن رنگ و صبغه ی قانون را می دهند. متأسفانه

جرم، جرم است در هر جایی که صورت گرفته باشد و مجرم هم مجرم است، فرق نمی کند هر کسی کی باشد. این یک اصل مسلم در زندگی است. ایجاد و اعمال قوانین جزایی و همچنین مجازات نمودن جنایت پیشه-گان معنایش اصلاح جامعه می باشد.

این گونه موارد هنوز هم جریان دارد. قدرتمندان و صاحبان زور به نام عدالت و قانون بر مردم بی گناه، تعدی و ظلم روا می دارند. بنا بر این در محکمه جزایی بین المللی نیز، اگر تنها اتباع کشورهای ضعیف مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرند ولی اتباع کشورهای قدرتمند به دست عدالت سپرده نشوند، مسلماً محکمه ی مذکور نیز تبدیل به

یک سری مفاهیم مدون کاغذی خواهد شد که بهتر است درک و فهمیده شود و عملاً از آن صحبت به میان نیاید. مثلاً قاچاق مواد مخدر از کشوری به کشور دیگر و از قاره ای به قاره ی دیگر، از عهده ی یک دهقان فقیر برنیامده بلکه در این کار، کسانی که دارای نفوذ و قدرتی در سطح بین المللی می باشند، دست دارند. از همین جهت من امیدوارم که محکمه جزایی بین المللی که فعلاً ما در ورکشاپ تربیتی آن نشسته ایم، بتواند مجرمین را در سطح بین المللی بصورت واقعی محاکمه و مجازات نماید. بهر حال ما از چیزی که به نفع مردم افغانستان و به منفعت پالیسی های دولت این کشور باشد، حمایت و پشتیبانی می کنیم. گرچه ما برنامه ها و پلان های خود را داشتیم که بعضاً به عنوان نمونه یاد آوری گردیدند، اما ستره محکمه نیز از پالیسی های دولت این کشور و تعهد نظام قضایی افغانستان در قبال همکاری با محکمه جزایی بین المللی حمایت می کند.

ما امیدواریم که در آینده ها بیشتر وارد جزئیات مسئله شده و با کسب اطلاعات و آگاهی های لازم، سمینارها و ورکشاپ های مشابهی جهت آگاهی دادن به مردم خود، برگزار نماییم تا بتوانیم از عهده ی مکلفیت های بین المللی خود برآیم.

از همگی تان تشکر

مشروعیت قدرت سیاسی را تعیین می نماید، در یک نظام انتخاباتی رأی شهروندان اعم از اکثریت و اقلیت از ارزش مساوی برخوردار می باشند. بنا بر این رییس جمهور جدید که مشروعیت خود را از اعتماد مردم افغانستان حاصل می نماید در برابر همه ی اقشار و گروههای جامعه پاسخ خواهد گفت. اما آیا این تصورات به واقعیت تبدیل خواهد شد؟ آیا جامعه ی افغانستان می تواند این همه راه را یک شبه طی نماید؟ آیا رییس جمهور منتخب در برابر گروههای قدرتمند وضعیف و اکثریت و اقلیت یکسان پاسخگو خواهد بود؟ آیا نوعیت رابطه ی اقلیت و اکثریت و نیز دولت و اقلیت ها دیگرگون خواهد شد؟ برای درک این موضوع باید به نوعیت رابطه

منفی را درزندگی مردم افغانستان بدنبال خواهد داشت.

تصور اغلب براین است که افغانستان با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و به تعقیب آن انتخابات پارلمانی درسال آینده آخرین مراحل روند انتقال بسوی یک نظام دموکراتیک، منتخب و روادار را می پیماید، و از تاریخی دو دهه جنگ و خشونت های خانمانسوز فاصله می گیرد و بجای رژیم های تک قومی و استبدادی گذشته دارای نظام منتخب فراگیر، چند قومی، منتخب و دموکراتیک خواهد شد. درنهایت نظام جدید از مشروعیت و اقتدار ملی برخوردار خواهد شد و در برابر همه ی مردم افغانستان به شمول اقلیت ها و گروههای محروم پاسخگو خواهد بود. همچنین برخلاف سنت معمول گذشته،

افراد اقلیت ها حق دارند که حیات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی سهم فعالانه و موثر بیگیرند.
(فقره ۲ ماده ۲ اعلامیه حقوق اقلیت)

روز شنبه هجدهم میزان مردم افغانستان با رفتن به پای صندوق های رأی با هدف انتخاب رییس جمهور کشور یک عمل کاملاً نوینی را در حیات سیاسی خود تجربه نمودند. مسلماً آغاز این تجربه ی جدید هیجان، اضطراب و نگرانی های زیادی را به همراه داشت و از زاویه های مختلفی نیازمند

انتخابات ریاست جمهوری و چشم انداز مشارکت سیاسی اقلیتها در افغانستان

ی اکثریت و اقلیت و یا دولت و اقلیت ها و چگونگی آن در گذشته ی افغانستان نظری بیندازیم. افغانستان یک کشور چند قومی و قبیله ی بوده و از گروههای مختلف قومی، زبانی و مذهبی تشکیل یافته است. هیچ یک از گروههای ساکن در کشور به تنهایی اکثریت نیست. به عبارت دیگر، افغانستان کشوری است که اقلیت های مختلف ملی در آن سکونت دارند و ایجاد دولت فراگیر و کسب مشروعیت ملی بدون مشارکت مؤثر تمام اقلیت های ملی غیر ممکن است.

در یک نگاه کلی کشورهایی که ترکیب جمعیتی مشابه افغانستان دارند در برخورد با

همه ی شهروندان کشور بدون هیچ گونه تبعیض قومی، مذهبی، سمتی، جنسی و زبانی می توانند در این روند شرکت نمایند. به عبارت دیگر، در روند انتقال بسوی یک کشور منتخب و نظام سیاسی آینده این مرز و بوم از اعتماد و رأی اکثریت شهروندان باهم برابر افغانستان به شمول اقلیت ها و دیگر گروههای آسیب پذیر تأمین می گردد.

آنچه مسلم است، در یک نظام انتخابی و دموکراتیک، آرای اکثریت شهروندان ملاک مشروعیت قدرت سیاسی است. برخلاف نظام های قومی و قبیله ی که در آن حمایت و پشتیبانی یک قوم یا قبیله ی اکثریت و یا قدرتمند،

بحث و بررسی است. مطبوعات و ناظرین داخلی و بین المللی بیشتر نقایص و مشکلات فنی، سیاسی و امنیتی موجود را مطرح ساخته و درباره ی سلامت و مشروعیت انتخاباتی که به باور اغلب قبل از وقت برگزار گردید، اظهار نگرانی کرده و اظهار داشته اند که انتخابات بدون آمادگی های لازم و در شرایط نامناسب امنیتی و سیاسی برگزار گردیده است. لیکن با وجود همه ی این نگرانی ها انتخابات برگزار گردید. بنا براین بهتر این است که بحث ها روی این نکته متمرکز گردد که انتخابات و رئیس جمهور منتخب چه عواقب و پیامدهای مثبت یا

بیگانه سازی آنها منجر می گردد. محرومیت، سرکوب و خشونت شکاف ها و اختلافات را بیش از پیش تعمیق نموده و واکنش متقابل از جانب اقلیت ها را بدنبال دارد. عدم احترام و پذیرش هویت، زبان، فرهنگ و خواست های اقلیت ها، رد و عدم پذیرش هویت، زبان و فرهنگ اکثریت یا اقلیت مسلط را بدنبال دارد. محرومیت سازی نفرت و انزجار تولید می نماید و باعث ازهم گسیختگی مناسبات سالم و منطقی می گردد. خشونت و سرکوب توسط دولت تحت سلطه ی اکثریت شورش و طغیان را تحریک می نماید. بدین گونه است که بحران در رابطه ی اکثریت و اقلیت و نیز دولت با کتله هایی از شهروندان ایجاد می گردید و گسترش می یابد.

اکنون سوال که مطرح می شود این است که افغانستان به عنوان یکی از کشورهای چند قومی کدام یکی از این دو راه را برگزیده است. چنان که گفته شد افغانستان کشور چند قومی است و تعدد و چند گونه گی گروه های قومی و اتنیکی مانند هر جامعه ی دیگری، یکی از چالش های عمده در روند تشکیل و تحکیم دولت در افغانستان نیز بوده است. متأسفانه افغانستان در اولین تلاش جهت تشکیل دولت مرکزی با چنین مشکلی رو برو

همانندسازی براساس انکار تنوع و چند گونه گی استوار بوده و با هدف ایجاد هویت یک رنگ ملی و حذف هویت های خرد به نفع یک هویت کلان و مسلط طرح و تطبیق می گردد. این گونه پالیسی توسط نظام هایی طرح و تطبیق می گردد که بر مبنای قومیت، فرهنگ و زبان واحد و منافع گروه مسلط و برنقی تفاوت، تنوع و چند گونه گی بنا یافته است. گروهها و اقوام در این گونه نظام ها حداقل بطور مؤثر و داوطلبانه در ساختار قدرت مشارکت ندارند و دولت وسیله ای در دست اکثریت و عامل اجرای پالیسی همانندسازی است. هدف نهایی این گونه پالیسی این است که اقلیت های قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی در اکثریت و یا اقلیت مسلط جذب و منحل گردیده و به تدریج محو و نابود گردند. این گونه پالیسی طبعاً ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی گسترده ای داشته و با شیوه های مختلف می تواند اعمال گردد. همانند سازی امکان دارد از محرومیت سازی سیاسی، اقتصادی، آموزشی، زبانی و مذهبی اقلیت ها گرفته تا شدید ترین اشکال خشونت مانند قتل عام، نسل کشی، کوچ دادن اجباری آنها گسترش یابد.

بطور طبیعی همانند سازی اقلیت ها به

اقلیت ها یکی از این دو پالیسی را برگزیده اند. یکی پالیسی تنوع گرایی و دیگری پالیسی همانند سازی؛ که هریک از این دو پالیسی ابعاد و تبعات سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی متفاوت را بدنبال دارد.

در پالیسی تنوع گرایی، اصل چند گونه گی قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی یک امر طبیعی و اجتناب ناپذیر شمرده می شود و در همه ی مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و سیاست گذاری های دولتی در نظر گرفته می شود. بدین اساس اقلیت ها نه تنها از حق مشارکت در قدرت و تصمیم گیری های سیاسی محروم نمی شوند بلکه دولت برای رشد، تکامل و بقای زبان، فرهنگ آنها برنامه های ویژه وضع و تطبیق می نماید. طبیعی است که این گونه پالیسی زمینه ی مشارکت و همکاری سالم و داوطلبانه ی اقلیت ها را در ساختار قدرت فراهم می نماید و به ایجاد احساس همبستگی و انسجام و هماهنگی ملی می انجامد.

با اینکه اساس این پالیسی را شناخت و احترام به هویت های متنوع اقلیت ها تشکیل می دهد لیکن تطبیق آن به انکشاف و رشد هویت کلان تر ملی و منافی بالا تر از منافع قومی، تباری، و سمتی می انجامد. چه اینکه هویت و منافع کلان ملی چیزی جز منافع اجزای تشکیل دهنده ی آن نیست. به عبارت دیگر نظام و قدرت سیاسی که بر مبنای تنوع و چند گونه گی تشکیل می شود خود به مظهر و سمبل ملی تبدیل می گردد. در اینگونه نظام ها، اصل احترام به تنوع و چند گانگی یکی از عناصر اصلی اقتدار و مشروعیت نظام سیاسی را تشکیل می دهد.

برخلاف تنوع گرایی پالیسی

عدم احترام و پذیرش هویت، زبان، فرهنگ و خواست های اقلیت ها، رد و عدم پذیرش هویت، زبان و فرهنگ اکثریت یا اقلیت مسلط را بدنبال دارد.

منابع طبیعی کشور نمودار گردید. تنها زبان های دری و پشتو اقبال استفاده در ادارات و نظام های آموزشی را یافتند. حتا زبان دری نیز در بعضی مراحل از این اقبال محروم گردید. زبان های اقلیت ها نه تنها مورد توجه قرار نگرفتند بلکه در بعضی مراحل استفاده ی آنها در مراکز آموزشی و اداری ممنوع گردید (در دهه ی ۱۹۳۰ و اوایل ۱۹۴۰ میلادی پالیسی تک زبانی به اوج خود رسیده بود).

بهر صورت اقلیت ها بیش تر از هر کسی دیگر قربانی این پالیسی گردیدند و بیشتر از گروهها و اقوام کلان تر آسیب دیدند. اقلیت های مذهبی و قومی بیشتر منزوی گردیدند و برای اجرای مناسک مذهبی شان به خفا روی آوردند. طبعاً در چنین شرایطی توانستند زبان و فرهنگ شان را انکشاف بدهند. زبان و فرهنگ اقلیت ها نه تنها از رشد و شکوفایی باز ماند بلکه به شدت آسیب دید. به همین مقیاس اقلیت ها از نظر سیاسی و اقتصادی نیز از رشد باز ماندند. فضای خشونت و تبعیض آمیز حاکم بر کشور مانع رشد یک فرهنگ سالم سیاسی در کشور گردید و اقلیت ها که خود هدف تبعیض، خشونت و سرکوب قرار گرفتند بیشتر از همه خشونت زده، منزوی و محروم گردیدند. در نهایت، همه ی اینها به اضافه ی مداخلات خارجی، افغانستان را بستر مناسبی برای تداوم منازعات و خشونت هایی ساخت که به مدت ربع قرن ادامه یافت.

اینک سؤال که مطرح می شود این است که افغانستان بعد از جنگ با این قضیه چگونه برخورد می نماید؟ به گذشته ی خود چگونه می نگرد و در آینده کدام رویه را در پیش خواهد گرفت؟ موافقت نامه ی بن که در ماه دسامبر ۲۰۰۱ به امضاء رسید شامل مراحل و

قدرتمند مرکزی بوجود آمد که بر قلمرو افغانستان با استفاده از زور و نیروهای قومی و سرکوب سایر گروهها و اقوام حکم میراند. جالب است که دولتمردان افغانستان از گذشته تا امروز همیشه به جای "دولت مقتدر ملی" از "دولت قدرتمند مرکزی" سخن گفته اند.

فاجعه بارتر از همه این که دولت ها نه تنها به چند گونگی ترکیب کشور احترام نگذاشتند بلکه برای سرکوب و آرام سازی مقاومت ها سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" را در پیش گرفتند و اختلافات قومی، مذهبی و تباری را وسیله ی پیشبرد سیاست های کوتاه مدت ساختند. بدین ترتیب تفاوت ها و چند گونگی های طبیعی را به اساسات خصومت ها و انتقام گیری های درون قومی و تباری مبدل ساخته و به بحران رابطه ی میان گروهی و رابطه ی دولت با گروههای قومی و قبیله ی عمق و ابعاد بیشتری دادند. بازهم نوعیت برخورد اولین دولت مرکزی با قیام ها و مقاومت های قبایل و اقوام در اواخر قرن نوزدهم به خوبی این موضوع را ثابت می نماید.

بهر ترتیب از همان آغاز تشکیل دولت، مناسبات میان اقوام و قبایل و میان آنها و دولت دچار بحران گردید و دولت های مختلف هر کدام به نوبه ی خود با این بحران مواجه گردیدند و همان پالیسی تحمیل، سرکوب و شبیه سازی را ادامه دادند. این پالیسی در مراحل مختلف با ابعاد متفاوت و با شدت ضعف (نظر به شرایط حاکم) دنبال گردید و بطور برجسته در ایجاد نظام اداری و تحصیلی و پالیسی های زبانی دولت در ادارات و نظام آموزشی و تقسیمات قدرت و

گردیده و برای حل آن به پالیسی دوم یعنی انکار چند گونگی و تلاش برای شبیه سازی توسل جست. از همان آغاز ناکامی دولت ها و دولتمردان افغانستان در برخورد سالم با این قضیه یکی از عوامل مزمن و بحران زا در مناسبات اجتماعی میان گروههای قومی، مذهبی و زبانی و میان آنها و دولت های حاکم بوده است. اولین دولت مرکزی در افغانستان نه بر اساس مشارکت و همکاری داوطلبانه ی گروههای ساکن در کشور که با استفاده از زور و خشونت و نفی چند گونگی و تنوع طبیعی جمعیت کشور تشکیل گردید. به عبارت واضح تر اولین دولت مرکزی در افغانستان در آغاز توسط یک قبیله ی قدرتمند و در سطح بالا تر توسط یک قوم قدرتمند در کشور تشکیل گردید و با استفاده از زور و خشونت، قبایل و گروههای دیگر را مطیع ساخته و قلمرو حاکمیت خود را به آنچه که امروز افغانستان نامیده می شود توسعه دادند. از پالیسی نفی و سرکوب در ابتدا در برابر قبایل رقیب و در نهایت در برابر گروههای قومی دیگر بطور گسترده ای استفاده به عمل آمد. در دهه های اخیر قرن نوزدهم تلاش ها برای ایجاد و تحکیم اولین دولت مرکزی افغانستان اوج می گیرد. این تلاش ها، آنچنانکه امروز به همه معلوم است، حملات، لشکرکشی ها، قتل عام ها، کوچاندن های اجباری زیادی را در پی داشت. قبایل و گروههای قومی رقیب به شمول اقلیت ها همه توسط زور یا تهدید، توطئه و ایجاد نفاق به اطاعت و فرمانبرداری وادار گردیده اند. در نهایت امر یک دولت ملی مبتنی بر مشارکت و رواداری اقوام و گروهها و تنوع گرایی ایجاد نگردید بلکه یک دولت

پروژه‌هایی می‌باشد که به هدف ایجاد یک حکومت فراگیر، انتخابی و دموکراتیک عملی می‌گردند. مراحل ابتدایی این روند طی گردیده و ما اینک در آخرین مراحل اجرایی آن می‌باشیم. دولت‌های موقت و انتقالی به

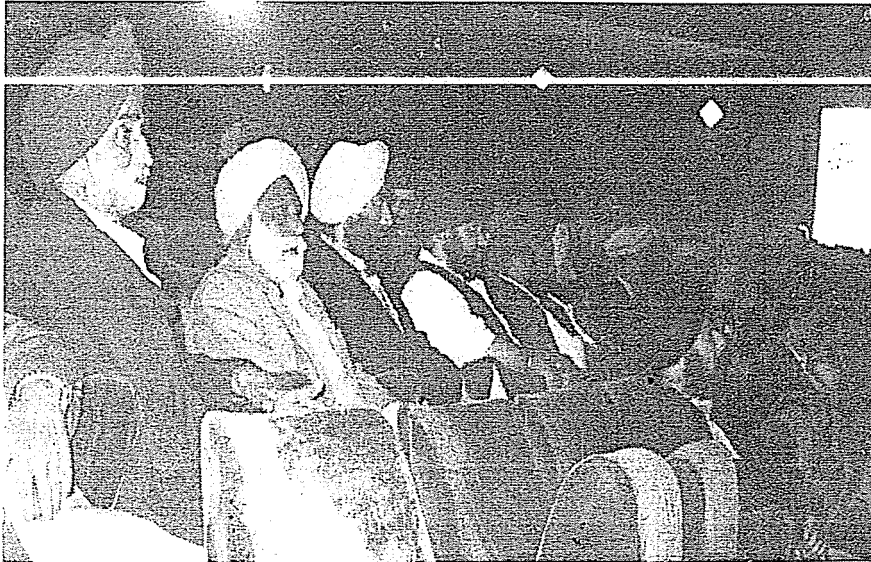
در جریان چندین دهه پالیسی شیبه سازی و تحمیل، اقلیت‌ها بیشتر از هر کسی دیگر در این کشور صدمه دیده و در نتیجه امروز در موقعیت آسیب پذیرتر از گذشته قرار دارند.

زبانی و پلورالیزم سیاسی را پذیرفته است. اما فضای سیاسی افغانستان هنوز متأثر از گذشته می‌باشد. لویه جرگه که چندگونگی قومی و زبانی را رسمیت داد، خود مانند گذشته شاهد صف بندی‌های شدید قومی بود. فراتر از آن سیاست‌ها و صفتبندی‌ها در دوره‌ی انتقالی بطور فزاینده‌ای شکل قومی را بخود گرفته است. گر چند همه‌ی سیاستمداران مکرراً بر وحدت ملی تأکید می‌نمایند اما در واقعیت امر فعالیت‌ها و حوزه‌های نفوذشان از مرزهای قومیت فراتر نمی‌روند. اغلب موارد با تأکید لفظی و سطحی بر وحدت ملی از اصل موضوع طفره می‌روند. از سوی دیگر دولت انتقالی اسلامی نیز هیچ گونه برنامه‌ی جدی‌ای را به منظور حل ریشه‌ای این معضل

روی دست نگرفته است. در جریان چندین دهه پالیسی شیبه سازی و تحمیل، اقلیت‌ها بیشتر از هر کسی دیگر در این کشور صدمه دیده و در نتیجه امروز در موقعیت آسیب پذیرتر از گذشته قرار دارند. به گونه مثال اقلیت سیک‌ها و هندوهای کشور بیشتر از هر گروه کلان‌تر آسیب دیده و امروز نیز آسیب پذیرتر گشته‌اند. در یک فضای قومی اقلیت‌ها اقلیت می‌مانند و بیشتر از دیگران آسیب پذیر می‌گردند. متأسفانه نامزدهای ریاست جمهوری نیز در برنامه‌ها و خط مشی خود توجه خاصی به این رابطه نکرده‌اند. خلاصه آنکه، در انتخابات قوم‌گرایانه اقلیت‌ها هنوز اقلیت می‌مانند و رییس جمهوری که توسط حمایت و پشتیبانی گروه‌های کلان به

ظاهر فراگیر تشکیل گردیدند و قانون اساسی بنیاد برای افغانستان بعد از جنگ تسریب گردیده است. قانون اساسی جدید تمامی گروه‌های قومی به شمول اقلیت‌ها را بصورت اجزای ملت افغانستان برسمیت شناخت و حق استفاده از زبان اقلیت‌ها را در مناطق شان تجویز نمود.

جای شکی نیست که این پیشرفت‌ها مثبت و قابل قدراند. حداقل اساسات نظام جدید یعنی اصول چندگونگی و تنوع قومی، مذهبی،



ترجمه از: استاد ابدالی

گزیده از محکمه جرایمی بین المللی

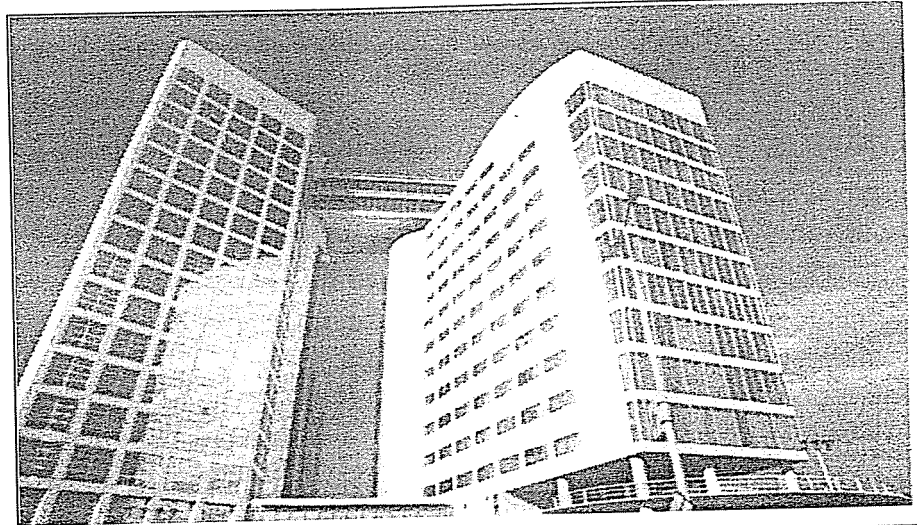
و تجاوز را مرتکب شده و از آنجا فرار نموده باشند.

۳- چگونه محکمه جرایمی بین المللی تدبیر آمد؟

بیشتر از پنجاه سال از شروع محکمه نورمبرگ و توکیو، دولت‌ها وسیعاً در قسمت به محاکمه کشیدن مسولین ملیون‌ها قربانی جرایم نسل‌کش، جرایم ضد بشری و جرایم جنگی ناکام بودند، مختصراً بعد از آنکه ملل متحد اساس گذاشته شد، کمیسیون تازه بنا یافته حقوق بین المللی موظف گردید پرنسپ‌های نورمبرگ را تدوین نموده و مسوده یا پیش نویس اصولنامه محکمه جزئی بین المللی را تهیه نماید.

انکشاف این ابتکار، به هر حال برای چندین دهه بالاخر اختلاف جنگ سرد، زمین‌گیر و فلج گردید. در سالهای ۱۹۹۰ نرمش در روابط بین المللی از این یک مانعگاه ویا دیوان بین المللی را برای جواب دادن به بیرحمی‌های ارتکاب شده در روندا و یوگوسلاویا سابق داد. ایجاد دیوان‌های موقتی و انکشافات دیگر جهانی برای احیا و دوباره از سر گرفتن مذاکرات بالای محکمه دایمی به کار گرفته شد.

دولت‌های کوچک‌ترنی‌دا و توباگو پیشنهاد کردند تا ملل متحد یکبار دیگر با این موضوع گلاویز شود اینبار این مفکوره به



بخشی از عناصر دولت حاکم را تشکیل داده یا با آن در رابطه بوده یا اینکه همچو افراد شامل گروپ‌های شورشی بوده ویا هم افرادی هستند که میخواهند حکومت ویا وضعیت موجود را تغییر بدهند.

ثانیاً محکمه جرایمی بین المللی بر عکس محکمه موقتی برای روندا و یوگوسلاویا، دایماً مستقر در هاگ میباشد. این اصولنامه موتربت، عمل فوری، و ثبات را برای حل و فصل منبایلی مربوط به اعمال جرمی به سوبه جهانی فراهم میسازد.

ثالثاً بر عکس محاکم ملی یا محلی محکمه جرایمی بین المللی جرایم صلاحیت قضایی بین المللی را در مرز مجرمین مورد استفاده قرار میدهد، این امر مشکل تعقیب دیکتاتور ها و مجرمینی را مرفوع میسازد که ممکن از صلاحیت قضایی محلی بجاییکه جرایم جنگی، جرایم ضد بشری، نسل‌کشی

۱- محکمه جرایمی بین المللی چیست؟

محکمه بین المللی جرایم (ICC) یک هیئت قضایی دایمی خواهد بود که توسط مشارکت بین المللی کشورها مود بر مبنی اصولنام رومه بوجود آمده است تا جرایم خطیر بین المللی نظیر نسل‌کشی، جرایم ضد بشری، جرایم جنگی و جرایم تجاوز را مورد تعقیب و پیگرد قرار بدهد (۱)

۲- صلاحیت محکمه جرایمی بین المللی چیست؟

چهره برازنده و مجزاکننده محکمه جرایمی بین المللی آنست که بر خلاف محکمه بین المللی عدالت (ICJ) که با دولت‌ها ت سروکار دادر، محکمه جرایمی بین المللی جرم صلاحیت تحقیق، پیگرد و محاکمه افراد را داشته و با آنها سروکار دارد. بناً محکمه بین المللی جرایم دیوان یا دادگاهی است که جرایم انفرادی مرتکبین را بررسی میکند که

سرعت انکشاف یافت. در سال ۱۹۹۵ ملل متحد مذاکراتش را روی طرح تهیه شده کمیسیون حقوق بین الملل در مورد محکمه بین المللی جرایم شروع کرد.

در جریان دو سال بعد ملل متحد شش میتنگ مقدماتی را بالای محکمه بین المللی جرم برگزار نمود تا حکومت بتوانند مذاکرات همه جانبه ی را روی مسایلیکه همچویک محکمه به آن خواهد پرداخت انجام دهند ، سازمان های غیرحکومتی ، ماهرین و کارشناسان حقوق بین الملل فعالانه درین جریانات مقدماتی با ارایه مهارت های تخصصی و کار شناسی بالای مسایل اساسی حقوقی و سیاسی اساسنامه اشتراک ورزیدند. شرکت فعالانه سازمان های غیر حکومتی ، خصوصاًگروپ خانم ها بر علاوه مسایل قبلی، موضوعات مربوط به اطفال و جنسیت را نیز پیش کشیدند.

در ۱۷ جولای ۱۹۹۸ ، ۱۲۰ کشور در حمایت از متن نهایی اصولنامه روم که متضمن ایجاد محکمه بین المللی جزایی بودرای دادند ، ۲۱ کشور از دادن رای امتناع ورزیدند و ۷ کشور رای مخالف دادند بگه امریکا چین ، جاپان ، اسراییل و هندوستان از زمره هفت کشور بودند.

در ۱۱ اپریل ۲۰۰۲ ، ۶۰ تصویب ضروری توسط ملل متحد حاصل شد که موثراً محکمه رابه طرف دریافت و حصول قدرت اجرایی دراول جولای ۲۰۰۲ کشاند ، این به آن معنی خواهد بود که جرایم ارتكابی تحت صلاحیت قضایی محکمه بین المللی جرایم بعدازاول

جولای ۲۰۰۲ می تواند به آن محکمه زمانی که عملاً کار رسمی خود را در سال ۲۰۰۳ شروع کرد پیشکش شوند . در جنوری ۲۰۰۳ حدود ۸۷ کشور در جمله کشور های عضو محکمه بین المللی به شمار آمده در حالیکه ۱۳۸ کشور دیگر به عنوان کشور های امضا کننده باقیماندند ، کشور های که بعد از اول جولای ۲۰۰۲ اصولنامه روم را امضا و تصویب کردند ، عملاً به محکمه صلاحیت قضایی بالای کشور های شانرا بعد از ۶۰ روز از تاریخ تصویب خواهند داد.

در مناطق اقیانوسیه آرام یازده کشور اصولنامه محکمه را تصویب کردند که فوجی ، تاجکستان ، جزایر مارشال ، نوورو ، قبرس ، اردن ، منگولیا ، کولمبیا ، تیمور شرقی ، ساموا و جمهوری کوریا از آن جمله است.

ضرورت محکمه جزایی بین المللی

تصادمات نظامی ناگزیر باعث افزایش رفتار خشن میشود وقوت های در گیرد رمخاصمات تنها آنهاست هستند که از نتایج آن رنج میبرند. جنگ در بوسینا ، نسل کشی در رونداد ، پنجاه سال بعد از کشتار وهمه سوزی ، همه نشان می دهد که جامعه جهانی در قسمت جلوگیری از ارتكاب جرایم جنگی ، جرایم ضد بشریت ، نسل کشی ، تجاوز ناکام مانده اند.

جنگ سالاران و دیکتاتوران به طور پلان شده مرتکب تجاوزجنسی دسته جمعی ، اعدام های بدون محاکمه و تخلفات دیگر سنگین از حقوق انسانی بین المللی و حقوق بشر شده اند که غالباً بدون مجازات باقیمانده اند ، در حدود چهار ملیون همشهری در قتل و قتل چنگی تا بر پایی نورنبرگ کشته شدند ، در حال حاضر

وظیفه اساسی و چاره اساسی جهان آنست تا که مجازات ، توقیف و یا قوت نظامی جمعی در برابر این وحشیگری های جدی که بر علیه بشریت تانجام می پذیرد ، جواب بدهد . این گستاخی ها غالباً ملکی های معصومرا مجروح میسازد تا باعث رنجاندن برخی افراد شود . مرتکبین غالباً توسط حکومت شان حمایت شده یا به قدری قوی باقی میمانند تا از محاکمه سرزمین ملی شان سر پیچی نمایند.

تنها با جوابده دانستن افراد در برابر تخلفات حقوق بین الملل ، جامعه بین المللی قادر خواهد بود تا به گونه موثر با مرتکبین جرایم سنگین که مورد تشویش این جامعه است ، برخورد نماید . این هردو قطعی است که قربانیان کنونی مساعدت شده و مجرمین آینده چشم ترسانده شوند. در کشورهاییکه محاکم قادر نیستند تا با افراد متخلف از حقوق بشری برخورد نمایند محکمه بین المللی جرایم باید قدم به میدان بگذارد ، اینچنین محکمه میتواند دیکتاتور ها را از کشتار همشهریان شان چشم ترسانده نموده و مانع آنها شود.

صلح بین المللی نیز وسیعاً از موجودیت محکمه بین المللی سود خواهد برد . محافظین صلح ملل متحد میتواند گاهگاهی ذبح جمعی با با پا در میان گذاری میان طرف های متحارب متوقف سازند . با آنهاهم طوریکه مادر سومالیا ، بوسنیا ، روندا ، هایتی و جا های دیگر مشاهده کردیم ، کینه و دشمنی که باعث افروختن چنگ شده به یکباره گی با متوقف ساختن فیر ختم نشده ، جریان تخلفات برای مدت های طولانی ادامه پیدا میکند در صورتیکه مردمان در گیر تصور کند که

عدالتی در کار نبوده و تطبیق نخواهد شد. آسیا توسط جنگ های خانمانسوز و کشنده ورژیم های دیکتاتور به سوه آمده است.

با وصف کشتار های کتلونی و تخلفات از حقوق بشر که در منطقه ارتکاب یافته است تعدادی کمی از طرف های متحارب مورد پیگیری قرار گرفته اند. تعداد اندکی در برابر ارتکاب تخلفات از حقوق بشری بین المللی مورد محاکمه قرار گرفته اند. انکشاف اساسی در قسمت پیگیری تخلفات حقوق بشرو حقوق انسانی دیده نشده است با وصف راپور های تخلفات عدیده در فلپین ، اندونیزیا ، سریلانکا، و تیمور شرقی .

مسوولین قتل کمبودیا تا به الحال بدون کیفر باقی مانده اند. محکمه جزایی بین المللی تنها دیوان برای تأمین عدالت برای قربانیان نیست بلکه باید به بی کیفری های پایان بخشد که توسط آنها این جرایم ارتکاب میابد.

بر علاوه محکمه جزایی بین المللی معرف روشترین افاده در عرضه انکشاف حقوق بشر و حقوق انسانی است.

تصویب اصولنامه محکمه جزایی بین المللی توسط کشورهای آسیایی پروسه قانون سازی را در سیستم قضایی ملی این کشور هادر آینده به پیش خواهد کشاند. چیزیکه مانعی را در راه ارتکاب تخلفات حقوق بشر ایجاد

خواهد کرد.

وجود محض محکمه بین المللی جرایم به زودی در وضعیت حقوق بشر در آسیا شکل دهی وزینی را پدید خواهد آورد. تصویب توسط کشورهای آسیایی نظیر فلپین تطبیق کنوانسیون های متنوع را در مورد حقوق بشر در منطقه سهولت خواهد بخشید.

۵- کدام جرایم تحت صلاحیت محکمه جزایی بین المللی قرار دارد؟

محکمه با جرایم جدی که توسط افراد ارتکاب میابد سروکار دارد. نسل کشی، جرایم ضد بشریت، جرایم جنگی، و تجاوز. این جرایم در اصولنامه محکمه بین المللی جرایم مشخص شده و با دقت تعریف شده است تا از ابهام و تاریکی اجتناب به عمل آید. جرایم تجاوز نیز توسط محکمه بررسی خواهد شد زمانیکه دولت های عضو بالای تعریف و عناصر آن موافقت نموده شرایطی را که محکمه بتواند تحت آن صلاحیت قضایی خویشرا اعمال نماید مورد موافقت قرار دهند.

الف: نسل کشی

یکی از اعمالی است که هدف آن از بین بردن تمام یا قسمت از گروپ انسانه مباشد. همین موضوع است که نسل کشی را از سایر جرایم بشری مجزایسازد. طبق ماده ششم اصولنامه محکمه جزایی بین المللی هرگاه این

پنج عمل غیر مجاز به نیت تخریب تمام یا قسمتی از ملت ، گروپ قومی، نژادی یا مذهبی انجام یابد ، جرم نسل کشی را به وجود می آورد.

- کشتن اعضای گروپ

- باعث شدن جراحت شدید جسمی یا فکری بالای عضو گروپ.

قصداً وارد آوردن شرایط زننده گی بالای گروپ انسانی با محاسبه اینکه آنها را از لحاظ جسمی قسماً یا کلاً از بین ببرند.

- به کار گرفتن معیار ها وطرفی که قصداً از تولدات درین گروپ انسانی جلو گیری به عمل آورد.

- انتقال اجباری اطفال از یک گروپ به گروپ دیگر.

تحت بخش ب فقره ۲۵ ماده اصولنامه محکمه بین المللی جرایم کسیکه دستور ، تحریک و یا اغوا کند افرادی را که جرایم نسل کشی را مرتکب میشوند نیز گناهکار شمرده می شوند هر کس میتواند مرتکب نسل کشی شود که مربوط به مقام و یا سمت آنها نمیشود. این به این معنی است که نه تنها آنهایی که ماشه را فشار مدهند، عساکر یا نه نظامی می توانند گناهکار باشند. همان گونه که برای ارتکاب این جرایم ممکن یک رئیس دولت یا یک وزیر پلان کرده باشند یا دستور داده

جریان تخلفات برای مدت های طولانی ادامه پیدا میکند در صورتیکه مردمان در گیر تصور کنند که عدالتی در کار نبوده و تطبیق نخواهد شد.

باشند.

ب: جرایم ضد بشریت

مواردیکه نخست دریک سند بین المللی در منشور محکمه نورمبرگ در سال ۱۹۴۵ تدوین شده بود و منیث بخشی از حقوق بین الملل مورد شناسایی قرار گرفت. این موارد جدیداً به وضاحت در یک موافقتنامه بین المللی تحت اصولنامه روم تعریف شدند و این جرایم از جرایم عادی به سه طریق مجزا میشوند.

در قدم نخست مورد تدوین شده بیان میدارد جرایم نظیر قتل بایستی در نتیجه یک حمله وسیع و منظم یا سیستماتیک ارتکاب یافته باشد.

ثانیاً این اعمال آگاهانه به طرف افراد ملکی جهت داده شده باشد.

سوم اینکه جرایم ارتکابی بایستی توسط دولت یا در نتیجه پالیسی یک ارگان بوجود آمده باشد بناً این جرایم میتواند توسط نماینده گان دولت نظیر افراد تحت تابعیت یا امر یا واحد های شبه نظامی ارتکاب یابد. جرایم ضد بشریت در نتیجه پالیسی ارگانهای چون گروه های شورشی آنهایکه ارتباطی با دولت ندارند نیز میتواند ارتکاب یابد.

اصولنامه روم یازده نوع عمل را می شناسد که میتواند موجب جرایم ضد بشری شوند:

۱- قتل

۲- قلع و قمع که میتواند شامل محرومیت های افراد از دسترسی به غذا و دوا باشد که با نیت ازین بردن آنها اتخاذ شده باشد.

۳- برده گیری کشاندن یا اعمال قدرت تملیک بالای شخصی شامل قاچاق انسان.

۴- انتقال اجباری جمعیت یا تبعید یا م رد م را جبراً وادار ساختن تا محلاتی را ترک گویند که قانوناً در آنجا حضور دارند.

۵- زندانی ساختن یا تطبیق محرومیت از آزادی جسمی درصددیت با حقوق بین المللی ۶- شکنجه به عنوان یک عامل قصدی وارد آوردن تعذیب یا رنج جسمانی یا فزیکتی بالای شخصی که در توقیف است یا متهمیکه تحت کنترل است.

۷- زنای اجباری ، برده گی جنسی ، به فحشا کشاندن اجباری ، حاملگی اجباری ، عقامت اجباری یا تخطی های بزرگ و قابل مقایسه دیگر.

۸- آزار علیه یک گروه یا جمعیت که ذریعه موقف سیاسی ، نژادی ، قومی ، کلتوری، مذهبی ، جنسیت و مشخصات دیگر قابل تفکیک اند و موارد دیگر که به سویه جهانی غیر مجاز بوده یا با جرایم دیگر پیش بینی شده در اصولنامه روم مرتبط باشند.

۹- ناپدید نمودن زندانی ، توقیف ، آدم ربایی اشخاص ، که در آن دولت دست داشته ویا با موافقه و رضایت یک دولت یا ارگان سیاسی تعقیب شود با هر یک:

امتناع از اعتراف به محرومیت این اشخاص از آزادی

رد ارایه معلومات در مورد سرنوشت شخص به مقصد از میان برداشتن آنها از حمایت قانونی برای مدت طولانی.

۱۰- تبعض نژادی و مثابه اعمال غیر انسانی یک دولت قانوناً زمینه ستم و تسلط منظم یک گروه نژادی را بالای گروه نژادی دیگر بخاطر حفظ آن رژیم مساعد سازد و.

۱۱- اعمال غیر انسانی مشابه دیگر با همین خصوصیات که عمداً باعث رنج ویا مجروحیت جسمی ویا آسیب دماغی و سلامت فزیکتی شود.

این جرایم میتوانند در زمان صلح ویا تصادفات نظامی ارتکاب یابد و این ضروری نیست که جرایم ضد بشریت حتماً در زمان اصطکاک نظامی بوقوع پیوندد.

ج- جرایم جنگی ارتکاب یافته در سنین دهسالگی میتواند مورد تعقیب جزایی در کشور های ملی شود. قرار داد های انسانی متعدد بین المللی وجود دارد که در سالهای ۱۹۰۰ انکشاف یافته خصوصاً در کنوانسیون

چهارم سال ۱۹۰۷ هاگ و قواعد مربوط به آن ، چهار کنوانسیون سال ۱۹۴۹ و پروتوکول های سال ۱۹۷۷ آن. ماده ۸ اصولنامه روم صلاحیت قضایی را در مورد جرایم جنگی خصلت همگانی میدهد ک در جریا ن تصادفات بین الملل ارتکاب مییابد. مواردیکه درین قرارداد ها و عرف بین المللی به رسمیت شناخته شده است.

این همچنان دوباره تاکید میکند روی انکشاف تازه در حقوق بین الملل با دادن صلاحیت به محکمه بین المللی جرایم تا جرایم جنگی که در نتیجه تصادفات داخلی چون جنگهای داخلی که امروز بسیار متداول است به وقوع می پیوندد نیز درین محکمه پیگیری شود. بالعکس جرایم ضد بشریت ، یک جرم جنگی میتواند ساده ، منفرد و و پراکنده ویا تصادفی بدون ضرورت اینکه همگانی و سیستماتیک باشد.

جرایم جنگی میتواند به دو کتگوری عمده

**محکمه با جرایم
جدی که توسط
افراد ارتکاب میابد
سروکار دارد. نسل
کشی، جرایم ضد
بشریت، جرایم
جنگی، و تجاوز. این
جرایم در اصولنامه
محکمه جزایی بین
المللی مشخص و با
دقت تعریف شده.**

بداند.
- استعمال صلاح غیر مجاز مانند سم، بعضی
گازها، مرمی های انفجاری که در اصولنامه با
تعدیلات اضافه شده است.
- عمداً گسنگ دادن به غنای نظامی ها به
عنوان شیوه ای از محاربه
- سربازگیری و ثبت نام نمودن اطفال زیر
سن پانزده سال در قوت های اردوی کشور
و استفاده فعال آنها در مداخلات و
- بعضی اعمال غیر مجاز در سرزمین تسخیر
شده شامل انتقال ملک های جانب فاتح به
سرزمین اشغال شده و یا انتقال تمام یا قسمتی
از جمعیت سرزمین اشغال شده، یا فسخ و
معوق قرار دادن حقوق ملل متخاصم.
نقده در صفحه (۲۶)

موجب اتلاف حیات و یا زخمی شدن و یا
تخریب اشیای ملکی ها میشود و یا باعث
تخریب محیط زیست میشود، مواردیکه
صریحاً عمل افراطی از همه سودمندی نظامی
مستقیم و واقعی و قابل پیش بینی باشد.

- حمله بالای ساختمان ها، اشیاء، واحد های
صحتی و پرسونل ترانسپورتی که حامل نشان
صلیب سرخ و یا سره میاشت (هلال احمر)
باشد.

- حمله بالای ساختمان های وقف شده برای
امورات مذهبی، تعلیم و تربیه، هنر، ساینس،
موسسات خیریه، بنای های تاریخی و
شفاخانه ها، در صورتیکه برای مقاصد غیر
نظامی به کار روند.

- صدمه رساندن به اشخاص بیدفاع مانند
عساکر کشته شده و یا زخمی هاییکه تسلیم
شده اند، قطع اعضای بدن و یا انجام
آزمایشات علمی و طبیی مواردیکه نه از نگاه
صحتی تجویز شده است و نه مفید حال
همچواشخاص است و چیز های که جداً
صحت آنها را به مخاطره میاندازد.

- هتک حرمت اشخاص، رفتار تحقیر و
توهیم آمیز.

- زنا یا اجباری و یا اشکال دیگر تجاوز جنسی
و استعمال حفاظ انسانی.

- بکار بردن شیوه های ممنوع جنگ همچون
استفاده سواز بیرق متارکه جنگ. علایم ملل
متحد و یا دشمن، نشان صلیب سرخ و سره
میاشت (هلال احمر).

- اعلام اینکه امان داده نخواهد
شد. تاراج، تصرف و یا تخریب ملکیت دشمن
مگر اینکه نی از مندی های نظامی آنها مجاز

تقسیم شود.

نخست محکمه جزایی بین المللی میتواند افراد
متهمی را که تخطی جدی از چهار کنوانسیون
سال ۱۹۴۹ جینوا نموده به شمول اعمال خود
سرانه ای که بر علیه شخص تحت حمایه
همچون عساکر زخمی و ملاح که کشتی اش
غرق شده، زندانیان جنگی و ملکی های
مناطق اشغال شده، مورد محاکمه قرار دهد.

- قتل خودسرانه

- شکنجه یا روش غیر انسانی به شمول
آزمایش بیولوژیکی

- تخریب لاقیدانه و ضبط ملکیت بدون
ضرورت های نظامی آنها تجویز نماید.

مجبور کردن زندانیان جنگی و یا سایر
اشخاص تحت حمایه تا در نیرو های دشمن به
خدمت گماشته شوند.

محروم ساختن خود سرانه اشخاص تحت
حمایه از حقوق محاکمه عادلانه.

- تبعید و زندانی ساختن غیر قانونی.

- گروگان گیری.

ثانیاً محکمه صلاحیت قضایی را در مورد
تخطی های جدی از مقررات عرفی دارد که
در جریان تصادمات بین المللی بوجود میآید
تا جاییکه در چارچوب حقوق بین الملل
شامل میباشد، شامل تخطی هاییکه در
مقررات هاگ و پروتوکول اول کنوانسیون
جینوا و مقررات عرف بین المللی شناخته
شده است، موارد دیگری چون:

- عملیات غیر مجاز بالای ملک های همچون
اهداف ملکی، کمک های بشری و ماموریت
های حافظ صلح.

- حملات، موقعیکه علم آوری شده بتواند که

در حالیکه افغانستان با حمایت جامعه بین المللی، حرکت کنده را جهت بیرون رفت از دو و نیم دهه مرگبارترین مناقشات داخلی اش آغاز نموده است، مسئله ی جبران خسارتها و بی عدالتی هایی که نسبت بر میلیون ها تن قربانی در این مرز و بوم، همچنان لاینحل باقی مانده و چه بسا که روند سیاسی "دوران گذار" را تحت شعاع قرارداده است. به نظر می رسد که حقوق و منافع میلیون ها قربانی جنگ و خشونت، به صورت آشکاری فدای مصالح کوتاه مدت سیاسی گردد.

بهرحال، فقدان برنامه و طرح مناسب به منظور جبران خسارت های وارده بر قربانیان و جلوگیری از قربانی شدن مجدد آنان، در افکار عامه این ایده را خلق نموده است که روند سیاسی کنونی بیش از اینکه بر محور منافع و حقوق قربانیان جنگ بچرخد، در خدمت جنایت کاران و مجرمین قرار دارد. اکثر مردم افغانستان تداوم امنیت و ثبات آینده ی این کشور را منوط به اجرای عدالت و صلح واقعی در این سرزمین می دانند. به نظر آنان اگر حقوق و منافع قربانیان و آسیب دیدگان جنگ هم چنان فدای دستاوردهای کوتاه مدت و ناقص سیاسی شوند، در این صورت نمی توان امید چندانی به امنیت و ثبات مداوم در افغانستان داشت. ضمن یک نظر خواهی که جدیداً از جانب "کنسرسیوم تحقیق و دفاع از حقوق بشر" (Human Rights Research and Advocacy Consortium) انجام شده است، نشان داد که اکثر آسیب دیدگان جنگ در افغانستان به داعیان اجرای عدالت اعتماد و اطمینان چندانی ندارند. اکثریت قربانیان شامل در این

نظر خواهی، اظهار داشته اند که آنان تفاوت چندانی را میان شبه نظامیان سابق و افراد پولیس تربیت شده ی جدید نمی بینند. تسلط شبه نظامیان سابق و قومندانان محلی و گروهی بر ارگانهای عدلی، قضایی و تقنینی کشور به عنوان مهم ترین عامل ناامنی و بی ثباتی در کشور ارزیابی گردیده است. با این حال بیم آن می رود که نگرانی هایی که بشکل سنتی دامنگیر اعتبار نظام عدلی و قضایی افغانستان شده همراه با کنترل و تسلط شبه نظامیان سابق بر این ارگان ها در افغانستان پس از جنگ، منجر به تقویت حس انتقام از مجراهای غیر معمول و غیر قانونی از جانب قربانیان و آسیب دیدگان جنگ، گردد. که این نوع انتقام گیری نیز حسب معمول قبیله ی قومی بوده و به ذات خود نوعی جرم می باشد.

در اکثر مناطق کشور عدالت و قانون به معنای واقعی کلمه اصلاً وجود ندارد. ناقضین حقوق بشر هنوز هم پُست های کلیدی قدرت را در دست داشته و با مصونیت کامل به اعمال شان ادامه می دهند. نظام عدلی و قضایی افغانستان پیش از جنگ، ظرفیت و توان آنرا نداشت تا این قبیل جنایات و تخطی ها را در بر بگیرد. به عارت دیگر، فواین جزایی کشور که عملتاً در دهه ی ۱۹۷۰ وضع گردیده و هیچگونه تغییر و تکاملی را به خود ندیده است، برای آسیب دیدگان و شهود مصونیت و حقوق ویژه ای را تعیین و پیش بینی نکرده است.

بناءً در بنیانگذاری نهادهای افغانستان جدید خصوصاً ارگانهای عدلی، قضایی و تقنینی این کشور باید از گذشته عبرت گرفته شده و

ضروریات و حقوق آسیب دیدگانی که تحمل آسیب های بیشتری را ندارند، در نظر گرفته شوند. در این زمینه باید، هم از تجارب اندوخته شده توسط قربانیان و آسیب دیدگان افغانستان وهم از پیشرفت های حقوقی در سایر نقاط جهان و پشتیبانی های بین المللی ایجاد شده، استفاده ی اعظمی صورت گیرد. سند رُم برای محکمه جزایی بین المللی که افغانستان نیز عضویت آنرا حاصل کرده است، حاوی جامع ترین احکام و مواد قانونی در جهت حفظ و حمایت از قربانیان و شهود می باشد. بجا است تا اقدامات حمایتی درج شده در سند رُم، حین تطبیق این محکمه در افغانستان، مورد توجه قرار داده شوند.

در نتیجه، کمک قربانیان و آسیب دیدگان افغانستان و اقدامات قانونی متمرکز روی این قشر از جامعه، چه در روند اصلاحات عدلی و قضایی و چه در سایر پروسه های جاری در کشور، یکی از ضروریات مهم به شما، در سال ۲۰۰۵. گزار افغانستان از گذشته ی رقت بارش به سوی آینده ای مبتنی بر ارزش های جدید، نیاز به جلب حسن نیت تمام اقشار جامعه به شمول آسیب دیدگان و شهود دارد. یقیناً مشکلات و چالش ها متعدد اند ولی نقشی را که جامعه ی بین المللی ممکن است در این زمینه بازی نماید، نباید نادیده گرفت.

مکلفیت های دول عضو در محکمه بین المللی جزایی

طوریکه در جریان قرار دارید، به تاریخ ۱۰ فروری ۲۰۰۳ دولت انتقالی اسلامی افغانستان گامی مهمی را در جهت هماهنگی و هم سوئی با جامعه بین المللی برداشت. و آن پیوستن این کشور به محکمه کیفری بین المللی () بود. این امر اگر از یک طرف، پیام روشنی است از تعهد افغانستان در قبال میثاق های بین المللی، از جانب دیگر حکایت از عزم راسخ این کشور جهت هماهنگی سازی قوانین ملی اش با معیار های بین المللی، جلوگیری از جنایت های ضد بشری که چند دهه تاریخ این کشور را لکه دار کرده است، پایان دادن به معافیت های جانین و بزهکاران و ایفای نقش یک کشور فعال بین المللی در قالب "مجمع کشورهای عضو" نیز دارد. با امضا کردن سند رم از جانب افغانستان، این کشور رسماً شامل "مجمع کشورهای عضو" این محکمه شده است. چیزیکه مسلم است اینست که به تعقیب پیوستن یک کشور به محکمه بین المللی جرایم، وظایف و مکلفیت های خاصی متوجه آن کشور میگردد. که در این مختصر سعی شده است تا آن مکلفیت ها مورد تذکر و یادآوری قرار داده شود. بدون در نظر داشت میثاق "ویانا" و سایر منابع و معاهدات بین المللی که کشورها را بصورت عموم به رعایت اصول اخلاقی و قوانین بین المللی ملزم می سازند، محکمه جزایی بین المللی (ICC) سه مکلفیت مجزا از هم را متوجه کشورهای عضو آن می سازد. که این مکلفیت ها یا به صورت مستقیم در سند رم

مطرح گردیده اند و یا هم ضمناً و بصورت غیر صریح طی فصل ها و ماده ها به آن اشاره شده است. مکلفیت های مذکور قرار زیر میباشد:

مکلفیت های که سند رم صرف به عنوان یک قانون بین المللی بر کشورهای عضو آن تحمیل میکند.

مکلفیت های ضمنی و مکمل

۱- و مکلفیت های مربوط به مصونیت ها و امتیازات

مکلفیت ها و وظایف نوع اول عبارت از این است که سند رم یا محکمه بین المللی جرایم از دول عضو آن توقع دارد تا آن را به عنوان یک قانون مستقل بین المللی پذیرفته با آن همکاری و مساعدت همه جانبه نماید. مکلفیت های ضمنی و مکمل حکایت از یکسری اصول اخلاقی و تکمیل کننده ای بین المللی دارد. درحالیکه مکلفیت های نوع سوم مطابق ماده چهل و هشتم (۴۸) سند رم، از کشورهای عضو محکمه می خواهد تا مصونیت ها و امتیازاتی را که محکمه بین المللی جرایم در دوران اعمال صلاحیت های قضایی اش به آن نیاز پیدا می کند، در درون قلمرو اش در اختیار این محکمه قرار دهد. به منظور وضوح بیشتر، مطلب را طی سه مرحله تحت بررسی قرار میدهم:

مرحله اول

همکاری:

طوریکه اشاره شد، تنها مکلفیت مستقیم که از جانی محکمه بین المللی جرایم روی دولت های عضو قرار داده شده است، چیزی

است که در ماده (۸۳) بخش نهم سند رم یادآوری شده است. در این ماده تصریح گردیده است که کشورهای عضو (ICC) مکلف اند تا با این محکمه همکاری لازم و همه جانبه را در جستجو، تعقیب و پیگیری مجرمین انجام دهد. اصطلاح "همکاری لازم و همه جانبه" که در ماده فوق ذکر گردیده است، صراحتاً میسراند که دولت های نقش اساسی و موثر را نسبت به برنامه ها و عملکرد های این محکمه دارد. مهم تر از آن، طبق این ماده، "همکاری لازم و همه جانبه" باید در هماهنگی کامل و تمام با احکام و ماده های تصویب شده ای سند رم، صورت گیرد. این حرف بدین معنا است که دول عضو باید "همکاری لازم و همه جانبه" با محکمه مزبور را در کلیه موارد و احکام آن، ضمانت نمایند. حتا در ماده (۸۸) این سند، تأکید شده است که در ساختار قوانین و محاکم ملی کشورهای عضو، باید مراتب موارد معتبر و قانونی وجود داشته باشند که با وجود آن مراتب، تضمینی جهت همکاری کامل با محکمه بوجود آید. به این معنا که هر کشور عضو موظف است تا مراتب قانونی صریح و روشن را در جهت همکاری سریع و همه جانبه با محکمه جزایی بین المللی در درون قوانین ملی خویش درج و تصویب نماید. ناگفته نباید گذاشت که ناگامی در جهت مساعدت همه جانبه با (ICC)، محکمه مذکور را از اعمال صلاحیت، قدرت و عملکرد اش باز داشته احکام و مواد سند رم را خنثی و بی خاصیت می سازد. و در صورت وقوع موارد

خطر افتادن امنیت ملی ... و غیره که در سند رم پیشینی شده اند. (ج) تسلیم دادن فرد: مطابق ماده (۹۱) سند رم، محکمه بین المللی جرایم میتواند تسلیم دادن فرد متهم را به این محکمه مطالبه نماید.

مطابق سند رم، محکمه جزایی بین المللی از سه طریق مختلف میتواند فرد را احضار نماید که آنها عبارت اند از:

صدور حکم توقیف (ماده های ۵۸-۸۹-۹۱) در حالت اضطرار صدور حکم مشروط جهت توقیف (ماده های ۵۸، ۵ و ۹۲)

البته با در نظر گرفتن طبیعت خاص محکمه جزایی بین المللی مبنی بر مخالفت آن با استرداد افراد به کشورهای دیگر، سند رم پیش شرط های مشروحه را در زمینه ملحوظ داشته است. از قبیل: اطمینان پیدا



و توسط صدور احضاریه ها (ماده ۵۸) کردن محکمه مبنی بر اینکه جرم در حوزه صلاحیت آن به وقوع پیوسته است؛ وجود دلایل وزمینه های حقیقی و قانونی بر دریافت حکم توقیف؛ ثبوت این امر که تعقیب و پیکرد به نفع عدالت می باشد؛ ثقل و سنگینی جرم؛ تشخیص نقش محکمه در مورد جرم انجام شده؛ تامین منافع قربانیان جنایت؛ تثبیت این امر که توقیف فرد متهم پروسه تحقیق و تعقیب را به مخاطره نمی اندازد؛ وجود شواهد ومدارک معتبر نزد مجلسی که قبل از محاکمه متهم دایر میگردد (Pre-trial Chamber) که این نهاد را متقاعد بر مجرمیت فرد بسازد؛ پس از اینکه تقاضای توقیف و تسلیم فرد

و توسط صدور احضاریه ها (ماده ۵۸) زمانیکه دولت عضو، موظف است که فردی توقیف شده را به یک مقام با کفایت قضایی سپرده وزمینه را جهت درخواست وی برای رهایی موف ه فراهم سازد و همچنین دولت عضوی که فردی را توقیف کرده است، وظیفه دارد که از رعایت تمام حقوق وی به محکمه اطمینان دهد. در صورت دریافت چنین حکمی، دولت عضو موظف است که به تقاضا پاسخ مثبت داده و حکم توقیف را اجرا نماید. در صورت توقیف فرد، فرد توقیف شده از تمام دیدگاه ها بی گناه فرض میشود. مگر اینکه جرم اش از طرف محکمه جزایی بین المللی ثابت شود. (ماده

از این قبیل ناکامی ها از جانب یک یا چند کشور عضو، محکمه جزایی بین المللی، قضیه را به مجمع کشورهای عضو (Assembly Of State Parties) و یا به شورای امنیت (Security Council) ارجاع می سازد. گرچند سند رم هیچ نوع تحریمی را بر کشورهای که در همکاری با محکمه کوتاهی کرده اند، تحمیل نمی کند ولی این امر مساوی است با نقض صریح معاهدات بین المللی. و شما خوب میدانید که نقض پیمان های بین المللی توسط یک کشور، چانس بقاء عضویت آنرا تقلیل میدهد. بهر حال بحث مفصل و مشروح مکلفیت های دول عضو در جهت همکاری و مساعدت با محکمه بین المللی جرایم، در توان این مقال نیست. ولی بهتر است مواردی را به عنوان مثال یاد آور شویم:

الف) تقاضای محکمه جهت همکاری و مساعدت: طبق ماده ۸۷ سند رم، محکمه بین المللی جرایم، صلاحیت دارد که از کشورهای عضو خواهان مساعدت و همکاری گردد. تقاضای همکاری و مساعدت عموماً بصورت کتبی و از راه های دیپلوماتیک انجام میشود. ولی در مواقع اضطرار و یا اینکه دولت عضوی که تقاضای همکاری از آن شده است، خواهان ارسال حکم از طریق فاکس و یا ایمیل شود، در این صورت تقاضا از طریق فاکس و ایمیل صورت خواهد گرفت. هم چنین تقاضای مساعدت و همکاری باید همیشه با ارایه شواهد ومدارک صورت گیرد. و هریک از کشورهای عضو محکمه موظف است که در صورت تقاضای همکاری با این محکمه، فوراً وارد عمل شود مگر در مواردی که قبیل به

با شرایط و مشخصات فوق صورت گیرد، کشور عضو محکمه جرایمی بین المللی، وظیفه دارد که به مطالبه پاسخ مثبت داده فرد متهم را بزودترین فرصت دستگیر و به محکمه تحویل دهد. (ماده پنجاه و نهم - پاراگراف هفتم) (د) فرد متهم:

محکمه بین المللی جرایم از امکانات توقیف وزندانی ساختن بصورت مستقل برخوردار می باشد. ولی سند رم (ماده ۱۰۳) توقیف وزندانی ساختن افراد را بعد از دریافت حکم محکومیت شان، بصورت رضاکارانه، از جانب کشورهای عضو این محکمه، نیز پیشینی و تبیین کرده است. گرچند این امر یک وظیفه الزامی و حتمی نیست، ولی در صورت تعیین آن، کشورهای عضو عهده دار وظایف و مسئولیت های متعددی راجع به محافظت محکومین از قبیل: ظرفیت، جای وسایر منابع و امکانات نیز خواهد شد. وهم چنین در زمینه، لازم است که موارد قانونی ای در ساختار قوانین ملی کشورهای عضو وجود داشته باشد تا با استناد به آن محکومیت های تعیین شده از جانب محکمه بین المللی جرایم را، بر افراد محکوم اعمال نمود. در چنین حالتی، کشورهای عضو می تواند سین پیوس به محکمه جرایمی بین المللی، بعضی از شرایط و ملاحظات شان را مطرح سازند. مشروط به اینکه این شرایط با ماده دهم سند رم موافقت و سازگاری داشته باشد.

مرحله دوم

مکلفیت ها و وظایف ضمنی و مکمل:

مطابق میثاق های چهار گانه ای جینوا و میثاق مربوط به نسل کشی، دولت ها مکلف اند که قوانین مورد ضرورت و لازم را، جهت

مجازات مجرمین و مرتکبین جنایت های از این قبیل ایجاد و تصویب نمایند. وهم چنین اساسنامه محکمه جزایی بین المللی، تحت اصول ضمیمه (Complementarities) خود، کشورهای عضو آنرا ترغیب به اعمال صلاحیت های قضایی شان روی جرایم مورد اهتمام این محکمه (ICC) مینماید. که این امر در واقع تقویت اقتدار یک کشور عضو از طریق به رسمیت شناختن صلاحیت های قضایی اش، نیز میتواند باشد. محکمه بین المللی جرایم تنها زمانی از صلاحیت های قضایی اش استفاده خواهد کرد که یک کشور عضو آن بادر نظر داشت معیار های بین المللی، نتواند که برنامه تحقیق و پیگرد مجرمین را به انجام رساند. طبق ماده (۱۷) سند رم، محکمه بین المللی جرایم تنها در چهار مورد استثنایی دوسیه های جنایی را روی دست خواهد گرفت. که آنها عبارت اند از:

در صورتیکه کشور مورد نظر، واقعا تمایل به جستجو و پیگرد مجرمین نداشته باشد؛ در صورتیکه کشور مورد نظر واقعا قادر به تعقیب و تحت پیگرد قراردادن مجرمین نباشد؛

در صورتیکه پس از تعقیب و پیگرد، کشور مورد نظر بانگیزه و هدف نجات مجرم از چنگ عدالت، وی را بصورت نمایشی محکمه نماید.

در صورتیکه پس از تحقیق و پیگرد، کشور مورد نظر به دلیل عدم توانایی تصمیم به توقف پروسه تعقیب بیگیرد.

بخاطر اعمال صلاحیت های قضایی ضمنی خود، یک کشور عضو محکمه بین المللی جرایم موظف است که قوانین ملی اش را با

نارم های بین المللی عیار سازد. تقریباً می توان گفت که لازم است تا قوانین ملی یک کشور عضو این محکمه، جرایم را طوری تعریف نماید که انعکاس دهنده ای احکام سند رم نیز باشد. ناگفته پیداست که بدون برخورداری از یک رژیم ملی شایسته، بسیار مشکل خواهد بود که کشوری بتواند مسئولیت تحقیق و تحت پیگرد قرار دادن مجرمین را به عهده بیگیرد. البته ورشهای متعددی را میتوان جهت برآورده شدن این مهم، برای کشورهای عضو پیشنهاد کرد. مثلاً یک کشور می تواند با ارجاع به سند رم، کلیه تعاریف و حدود جرایم را مورد نظر محکمه کیفری بین المللی را در ساختار قوانین ملی اش بگنجاند. و یا هم از طریق ایجاد قانون مستقل و جداگانه به منظور تحت پوشش قرار دادن جرایم مورد اهتمام این محکمه، وهم چنین توسط ایجاد اصلاحات در ساختار قوانین موجود ملی، به این امر دست یابد. به عنوان مثال: کشورهای نیوزلند و برتانیای در زمینه، از روش اول کار گرفته اند در حالیکه کشور کانادا با انجام قانون مستقلی تحت عنوان "قانون بشری بین المللی" روش روم را ترجیح داده است. چیزیکه به هر حال در رمیه لازم است، وجود مراب و تقوایی است که اعمال تحقیق و پیگرد رامطابق احکام مندرج در سند رم، عملی سازد.

مرحله سوم

مسئولیت ها امتیازات:

طوریکه اشاره شد، مسئولیت ها امتیازات قضات، حارنوالان، منشیان، وسایر مقامات محکمه بین المللی جزایی برای عملکرد موثر این نهاد قضایی، اساسی و مبرم می باشد. و کشورهای عضو این محکمه موظف، به تامین آن است. قدرت و موثریت تمام عیار

میشود. هم چنین کشورهای عضو ملزم اند که جهت توسعه این مصونیت ها و امتیازات احکام و موارد لازم را در ساختار قوانین ملی شان گنجانده و به آن صبغه قانونی دهد.

نمایند. علاوه بر آن، مصونیت ها و امتیازات فوق منحصر به مقامات مذکور نیست، بلکه بصورت مساوی شامل شورای دفاعیه، متخصصین و مسلکی ها، شهود و قربانیان نیز

محکمه فقط زمانی قابل درک است که جامعه بین المللی بصورت کل و کشورهای عضو به صورت خاص، مراتب همکاری و مساعدت های همه جانبه شانرا از آن دریغ

گردۀ آرزو (بغیر از ص ۲۱)

تصادمات بین المللی

در صورتیکه یک تصادم خصلت بین المللی نداشته باشد، محکمه صلاحیت قضایی در مورد تخطی های جدی پیش بینی شده در ماده سوم مشترک چهار کنوانسیون ژنورا دارد طور مثال اعمال ارتكابی علیه اشخاصیکه سهم فعال در مخاصمات نداشته اند:

- خشونت در حیات و شخص کشته شدن، قطع عضو، رفتار جنایتکارانه و شکنجه.
- اهانت به کرامت انسانی به خصوص بر خورد تحقیر و توهین آمیز.
- گروگان گیری
- صدور حکم و و انجام اعدام بدون حکم صادر شده توسط یک محکمه قانونی و فراهم ساختن تضمین های قضایی که واجب بنواشته می شود.

همچنان محکمه میتواند تخلفات جدی دیگر را که در حقوق بشریش بینی شده است مورد بررسی قرار دهد، موارد که در پروتوکول شماره ۲ کنوانسیون ژنو شناخته شده است.

۱- هدایت قصدی حملات به سوی جمعیت ملکی و یا افراد ملکی که

مستقیماً در مخاصمات شرکت نکرده اند.

۲- هدایت عمدی حملات بالای

ساختمان ها، اسباب، واحد های صحتی و ترانسپورتی و پرسونل که حامل علائم مشخصه کنوانسیون ژنو باشد (مانند صلیب سرخ، و سره میاشت).

۳- هدایت عمدی حملات علیه

پرسونل یا وسایط مشغول یک کمک بشر دوستانه یا ماموریت حافظ صلح ملل متحد.

۴- هدایت عمدی حملات علیه یک

عمارت وقف شده برای امورات مذهبی، تعلیم و تربیه، هنر، ساینس، یا اهداف خیرخواهانه، بنا های تاریخی، شفاخانه ها، یا محلاتیکه در آنجا مریضان و مجروحان وجود دارد، مشروط به اینکه همچو محلات برای مقاصد انسانی به بکار گرفته نشده باشد.

۵- تاراج یک شهر یا یک محل حتی

اگر توسط تهاجم نظامی گرفته شده باشد.

۶- ارتکاب زنای اجباری، برده گی

جنسی، فحشا اجباری، حمل اجباری، عقامت اجباری،

۷- سرباز گیری و ثبت نام اطفال زیر

سن ۱۵ سال در قوت های نظامی و گروپ ها و استفاده فعال از آنها در مخاصمات.

۸- دستور نقل مکان افراد ملکی به علل مربوط به تصادمات که مسایل امنیتی و مقتضیات نظامی آنرا ایجاب نکند.

۹- کشتن و مجروحیت خایانه جنگجوی رقیب.

۱۰- اعلام اینکه هیچ نوع امانی داده نخواهد شد.

۱۱- هدف قرار دادن اشخاصیکه که در نیرو های مخاصم شامل هستند به مخاصمات و یا قطع اعضای بدن آنان یا عملیات صحتی و آزمایشات علمی، مواردیکه که نه تنها توسط معالجه صحتی، طب دندان و یا شفاخانه صحت گذاشته شده و همچو موارد باعث مرگ اشخاص شده و یا صحت شانرا جدلاً به مخاطره میاندازد.

۱۲- تخریب و یا تصرف ملکیت دشمن مگر این تخریب و تصرف به حکم ایجابات نظامی تصادم باشد.

جرایم تجاوز

مواردیکه جرایم تجاوز را تشکیل میدهد هنوز مورد بحث امضا کنندگان اصولنامه محکمه بین المللی جرایم در حقوق بین الملل است. تصور کلی از تجاوز آهسته آهسته بخصوص در در قضایای که عملیات نظامی

ایالات متحده آمریکا دخیل بود نظیر نیگاراگوا، کوستاریکا و السوادو شکل گرفت. جرایم تجاوز در اصولنامه قوماندانان نظامی را مورد توجه قرار خواهد داد که عملیات نظامی را در کشورهای دیگر هدایت میکنند. محاکمه و محارفات تخطی های جرایم تجاوز زمانی بالقوه خواهد بود که کشور های امضا کننده بر تعریف و عناصر این جرایم موافقت نمایند.

۶- وسعت صلاحیت قضایی محکمه بین المللی جرایم جی است؟

محکمه زمانی صلاحیت قضایی حاصل میکند که اصولنامه محکمه جزایی بین المللی در رابطه به جرایم ارتكابی حایز قدرت اجرایی شود چنانکه اصولنامه اثرعطف به ماسبق ندارد. از لحاظ فرض علمی جرایم ارتكاب یافته در زمان رژیم موراگوس و سوراتو به اساس اصولنامه قابل مجازات نخواهد بود. در حالیکه جرایم و یا شکایات توسط دولتی فرستاده شود و یا مبتکر آن مدعی العموم باشد. محکمه بین المللی جرایم ممکن صلاحیت قضایی خود را هر گاه که با سست از کشور های ذیل شامل کشور عضو بوده و یا صلاحیت قضایی محکمه را پذیرفته باشند، اعمال نماید:

الف دولتی که در قلمرو آن جرایم مورد ادعا ارتكاب یافته باشد.

ب دولتی که شخص متهم به جرم، تبعه آن باشد.

کشور هایکه اصولنامه را امضا نکرده و یا به تصویب نرسانیده اند با وصف که تحت

صلاحیت قضایی محکمه نیستند میتوانند صلاحیت قضایی محکمه را پذیرفته و با محکمه بین المللی جرایم در قسمت تطبیق اصولنامه همکاری نمایند.

۷- مکلفیت های دولت های عضو

مطابق به اصولنامه روم دولت های عضو دو مکلفیت اساسی دارند:

نقش تکمیلی

دولت ها مکلف اولی دارند تا مرتکبین و مسوولین نسل کشی، جرایم ضد بشری و جرایم جنگی را به محاکمه بکشاند، این وظیفه هر دولت است تا از صلاحیت قضای و جنایی خود بر علیه همچو افراد حین ارتكاب جرایم بین المللی استفاده نمایند.

- همکاری همه جانبه

زمانیکه محکمه این امر را معین نمود می تواند صلاحیت قضایی اش را درمطابقت با پرنسیپ نقش تکمیلی دولت های عضو طبق ماده ۸۶ (همکاری تمام عیار با محکمه در تحقیق و تعقیب جرایم تحت صلاحیت محکمه) به منطه اجرا بگذارد، بنأ بایستن مطمئن سازند که حائز ال و و کل محکمه بین المللی جرایم می تواند تحقیق موثر را در ساحه قضایی اش انجام دهند که محاکم و مقامات دیگر شان همکاری همه جانبه را در قسمت دسترسی به اسناد، محل توقیف دارایی متهم، هدایات تحقیقات و گرفتن شواهد، محل حمایت شواهد و توقیف و تسلیم نمودن متهم به جرایم تحت صلاحیت محکمه انجام دهند.

دولت ها همچنان بایستی محکمه را در قسمت تطبیق مجازات با فراهم نمودن سهولت های

توقیف برای اشخاص محکوم، کمک نمایند.

۸- کدام پرنسیپ ها و موازین محکمه را اداره میکنند؟

پرنسیپ های مختلف حقوق بین الملل محکمه بین المللی جرایم را اداره میکند که از آن جمله است.

الف: عطف نه شدن به ماسبق اصولنامه: تنها جرایم ارتكابی بعد از قوت یافتن اصولنامه قابل پیگرد توسط محکمه جزایی بین المللی است، این بدان مفهوم است که جرایم ارتكابی در رژیم ماراکوس نمی تواند توسط محکمه مجازات شود.

ب: مجازات شدن: که پرنسیپ های محدود کننده درین مورد نباید مجوز باشد، عدم عفو؛ بخشش، مصونیت مامورین و معیار های دیگری کیفرماندن باید شناسایی شود.

ج: محاکمه باید عادلانه باشد و بایستی پروسه لازمی را مورد ملاحظه قرار دهد.

د: عدم تطبیق جزای اعدام: محکمه ممکن تلافی و جبران خساره معنی علیه یا قربانیان را حکم نماید. حمایت از قربانیان و شاهدان.

۹- چگونه یک قضیه یک محکمه کشانده میشود.

با توجه به پرنسیپ های نقش تکمیلی، سه طریق و چود دارد که تحت آن یک تحقیق محکمه بین المللی می تواند ابداع شود:

اول: ممکن یک دولت عضو یک حالت را به حارنوال رجعت دهد، محلیکه دیده شود یک یا چند جرم تحت صلاحیت قضایی محکمه ارتكاب یافته است. (ماده ۱۳ الف و ماده ۱۴).

رهنمایی درست برای مساعی در راه استقرار محکمه بین المللی جرایم وقتی میسر است که ارگانهای مختلف منطوقی سهم داده شوند، خاصاً آنهایکه در ساحه مشغول فعالیت هستند و از جنگ های حاضر بین دولت و قوت های شورشی متأثر شده اند.

چیزیک شما کرده میتوانید

۱- انتشار معلومات مثل فوتوکاپی نمودن این گزینه ومسایل مربوط به محکمه رادر مکاتب ، مجتمع ها ، محله هامورد مباحثه قرار داده و استفاده از وب سایت ایتلاف انجو ها (NGO-CICC) برای شان رهنمایی شود.

۲- سازماندهی جلسات و صحنه های دیگر ، شما میتوانید سخن رانانیرا از ایتلاف دعوت کنید.

۳- یادداشت به دولت ها ، بیان حمایت خود از محکمه بین المللی جرایم و تقاضای اینکه آیا مورد رضایت و تصویب حکومت شان قرار گرفته .

۴- ابداع و اشتراک در فعالیت های مختلف برای ار

محکمه بین المللی جرایم تمام

گرانتی هارا که یک محکمه عادلانه

متضمن آنست ثبت نموده و آنرا به

رسمیت مشابهد

که دنبال عدالت اند در برابر تخلفات حقوق بشر و حقوق بشری بین المللی هستند.

ب: کمک به ختم بی کیفی

ج: کمک به ختم تصادمات کنونی یا حداقل انسانی ساختن رفتار ناشی از آن .

د: استفاده از قدرت قضایی در برابر قضایاییکه که محاکم نمی خواهند یا نمیتواند آنرا پیگیری نمایند.

ه: وسیله ای برای متوقف ساختن تخلفات. بالوسیله ایتلاف موسسات غیر حکومتی به طرفداری یک محکمه بین المللی جرایم (NGO-CICC) مساعی ملی و منطوقی تبارز نموده است تا حکومت در منطقه اصولنامه بین المللی جرایم را امضا نموده و تصویب نمایند.

خواست مساعی

۱- سوق دادن فعالیت های ملی ، منطوقی برای امضا و تصویب اصولنام روم توسط کشور های آسیایی

۲- ایجاد سیستم آگاهی عامه از محکمه بین المللی جرایم حصول جات عامه برای تحقق آن .

۳- فراهم نمودن راه دیالوگ ومذاکره بین نماینده گان دولت ها ومدافعین حقوق بشر و صلح برای استقرار محکمه جزایی بین المللی ومسایل مرتبط دیگر چون بی کیفی نه

گذاشتن جرایم ، حقوق بشر و صلح

۴- سازماندهی شبکه ایتلاف ملی ، منطوقی ومحلی برای استقرار محمه بین المللی جرایم

دوم: ممکن شورای امنیتیک حالت را به حارنوال رجعت دهد(ماده ۱۳ب)

سوم : حارنوال میتواند به اساس لزومدید خویش ویا معلومات های دریافت شده از منبع ذیربط ، مثل کمیسیون جرایم (ماده ۱۳و ۱۵) . به ارزیابی قضیه پردازد از همین جاست که افراد و انجو ها میتوانند یک شکایت رابا حارنوال به شکل دوسیه درآورده که حارنوال به نوبه خود آنرا به تحقیق میکشاند.

بعداً حارنوال تدابیر احتیاطی را در توافقی با دیوان مقدماتی محکمه برای توقیف و تسلیمی مظنون پیشنهاد مینماید.

محکمه بین المللی جرایم تمام گرانتی هارا که یک محکمه عادلانه متضمن آنست ثبت نموده و آنرا به رسمیت مشناسد، مانند حق رد اتهام به خود، حق مشاورت برعلیه اکراه و رفتار خشن و دوبار گرفتار شدن. اصولنامه اعدام را به عنوان مجازات نمیشناسد.

مبارزه برای محکمه بین المللی جرایم در آسیا

محکمه جزایی بین المللی یک قدم مهم در راه مبارزه برای حقوق بشر و حقوق بین المللی است ، استقرار محکمه جزایی بین المللی آسیا را به مثابه منطقه طاعون زده یا آفت دیده از تخلفات حقوق بشر و جنگ های دوامدار و تصادمات میان حکومتات و گروه های متعدد شورشی سود خواهد بخشید.

چگونه استقرار محکمه بین المللی جرایم بالای آسیا تاثیر میکند ؟ محکمه بین المللی جرایم می تواند.

الف : آماده ساختن یک محکمه برای قربانیان

بر گرفته از کتاب تاریخ فرهنگ ترکمنها

اثر محترم محمد صالح راسخ بلدرم

دیرینه‌های ترکمنها

اوغوزها



پیدایش نام ترکمن

تبعیت خویش در آوردند و با آنان در آمیختند. بخش عمده او غوزها دامداری میکردند، بز و گوسفند، اسب و شتر پرورش میدادند. آنان در صحراها ((آلاچیق)) های بادوام و محکم موسوم به ((قراوی)) میزیستند. در میان اوغوزها در مناطق گرم سیر، کشاورزان و در سواحل بلخاش، ایشیک کول و کناره های دریاها ماهیگیران نیز بوده اند. اوغوزها به مثابه سوارکارانی شگفت انگیز و تیراندازان ماهر و زبر دست شهرت داشته اند. اکثریت قریب به اتفاق آنها را دامداران و کشاورزان آزاد تشکیل میداد ولی در میان آنها بردگان نیز بودند.

برخی منابع اوغوزها را به پدر قهرمان و اساطیری آنان و بنیان گذار سلسله شان ((اوغوزخان)) نسبت میدهند.

در میان ترکمن های امروزی نیز درباره ای " اوغوزخان " روایاتی موجود است که بنام " اوغوزنامه " شهرت یافته است. این اثر حماسی در سال ۱۹۵۷ میلادی از طرف ا. م. شیر بک چاپ و نشر گردیده است. افزون بر آن در حماسه ملی ترکمنها " کتاب دادب قورقوت " نیز در مورد اوغوزخان روایاتی موجود است. برخی از پژوهشگران از جمله یک دانشمند مجارستانی واژه ای " اوغوز " را از نگاه زبانشناسی تحلیل و بررسی کرده و به این نتیجه رسیده اند که این واژه از دو جزء تشکیل یافته است. (اوغ + از) در زبان ترکی قدیم واژه " اوغ " به معنای قبیله و عشیره است و پسوند " از " نیز نشانه جمع است. چنانچه جمع " من " " بیز " و جمع سن " تو "، " سیزه " است. بنابراین تحلیل زبانشناسی به این نتیجه رسیده اند که اوغوزها از " اوغ " ها یعنی عشایر و قبایل زیادی تشکیل یافته بودند و بدین جهت

در قرن هشتم میلادی در قسمت سفلی سیر دریا (سیحون) قبایل اوغوز زنده گي داشتند. ایشان با ((توقوز اوغوز)) که در بسیاری از کتب و منابع شرقی به آنها اشاره شده، از یک اصل و قبیله بودند. اوغوزها طایفه بی از ترکان غربی بودند. در کتیبه کسونشوتزایدام (اوخون ینیس) که به امریلکه قا آن خاقان ترکها نوشته شده به آنها اشاره شده و خاقان هنگامی که خطاب به توقوز اوغوزها میکند، آنها را با کلمات ((ملت من)) یاد آوری کرده و از روی همین کتیبه که در قرن هشتم میلادی حک گردیده، چنان استنباط میشود که ((توقوز اوغوزها)) در وقت حکمرانی ((توکیوها)) نیز تا حدی خود مختار بوده اند.

اوغوزها بعد از مرگ ((سولو)) رئیس قبیله ((ترگش)) پراکنده شده و تا کناره های رود سیحون رسیده بودند. این عشایر و قبایل ترکی که به طوایف زیادی تقسیم می شوند در قرن دهم میلادی حکومتی محلی در سواحل دریای سیحون تشکیل داده بودند. حکمرانان آنها موسوم به ((بیغو)) در شهر ((ینگگی کنت)) در بخش سفلی رود سیحون اسکان داشت. اوغوزها در این سالها در شمال دریاچه بلخاش، در مرزازان ((ساری سو)) و ((تورگای)) و ((امپا)) میزیستند. اینها از بین همه قبایل ترک که قبلاً یاد کردیم در پروسه تکوین و تکامل ترکمنها به صفت یک ملیت نقش برجسته ای ایفا کردند.

اوغوزها در سده های ۱۰-۱۱ میلادی در آسیای میانه ظاهر شده به تدریج تقریباً در تمامی مرزازان آسیای میانه و بخش بزرگی از قزاقستان امروزی پخش گشته، طوایف کوچ نشین آلانها، یاس ها، و دیگران را تحت

نام خود را "اوغوز" میگفته اند. اوغوزها از قدیم الایام بین قبایل و عشایر ترک مشهور بوده اند. چنانچه در کتیبه "اورخون-ینسی" که به افتخار کول تگین یکی از سرداران مشهور ترکها برادرش بیلکه قاآن خاقان ترک بنا نموده، نام اوغوزها برده شده است. که در آن وقت در "کرولن" زندگی داشتند. در این کتیبه از زبان "بیلکه قاآن" (موکی لین) نوشته شده است: "مردم توقوز اوغوز" از همان ملت خالص خود من است. چون در آسمان وزمین همه چیز زیر وزبر شده است آنها دشمن من شدند. در مدت یکسال پنج بار باهم جنگ کردیم. این بیلکه قاآن نام برادر همان کسی است که بعد از به قدرت رسیدن یک تصفیه حسابی را در دربار امپراطوری ترک در قرن هشتم میلادی نموده و بجز از یک مشاور پیر همه درباریان امپراطور سابقه را کشته و جنجال بزرگی در میان قبایل ترکی برخواست بود. شاید توقوز اوغوزها نیز که از همان "ملت خالص" بیلکه قاآن بودند، سرهمین مسئله باوی جنگ کرده باشند. اوغوزها را چینی ها در قرن هشتم میلادی میشناختند. در دایرهٔ معارف چینی که در این سده تدوین شده نخست با تغلط اشاره شده و به قول این دایرهٔ ۱۱ - ارت ۱۰ - "ترک گنگ" نام دیگری است که به کشور یعنی کشور ابان اطلاق شده و اینها در آغاز تاریخ میلادی در مشرق تا مسیر سفلی سیر دریا مستقر بودند و آنجا در قرن چهارم هجری نیز مقر اصلی غزان بود. مولف نامعلوم "حدود العالم من المشرق الی المغرب" ناحیت آنها را بدین سان توصیف میکند:

"ناحیتی است مشرق وی بیابان غوز و شهرهای ماوراءالنهر و جنوب و بعضی هم

از این بیابان و دیگر دریای خزران است. و مغرب و شمال او رود اتل است و مردمان شوخ روی و ستیزه کاراند و بزدل و حسود اند و گردنده اند بر چراگاه و گیاه خوارتابستان و زمستان و خواست ایشان اسپ و گاو و گوسبد و سلاح و صید اندک و اندر میان ایشان بازارگانان بسیار اند. وهم از اغوزو وهم از ایشان هر چیزی را که نیکو بود و عجب بود، نماز برند و طبیبان را بزرگ دارند و هر که کی ایشان را ببیند نماز برند و ان بجشکان را بر خون و خواسته ایشان حکم باشند و ایشانرا هیچ شهر نیست و مردمانی با خرگاه بسیارند. و مردمانی اند با سلاح و آلات و دلیری و شوخی اندر حرب و ایشان هر وقتی به غزو آیند به نواحی اسلام. به هرجای که رفتند و بر کوبند و غارت کنند و زود باز گردند و هر قبیله را از ایشان مهتری بود از ناسازندگی باهم."

مورخانی از قبیل: قدامه، مسعودی، اصطخری، گردیزی، و مولف حدود العالم و دیگران که در مورد اوغوزها مطالبی نوشته اند، زبان ترکی را یاد نداشته، بناء اکثر نام آنها را به شکل "تغزغز" نوشته اند؛ در حالیکه باید "توقوز اوغوز" باشد، به معنی "نه اوغوز". در این مدارک اصطلاح "تغزغز" به عوض "یینرین" گذاشته شده و ازنگاه زمانی به زمان سلطنت دوم بیغورها در حومه تیانشان همزمان میدانند. بار تولد در دایرهٔ معارف اسلام در این مورد میگوید: "در مدارک خطی همان خاقان توجویه شرقی اصطلاح تغزغز خیلی مشهور بود و معادل ترکی استعمال میشده، تنها اختلافی که داشته این بوده که کلمه ترک در موارد سیاسی استعمال می شده و کلمه تغزغز جنبه های قبیله‌ای و ایلاقی داشته زیرا همه اغزها همیشه قدرت خاقان را به

رسمیت نمی شناختند. ترک شناس مشهور رنه گروسه این عقیده ای دانشمندان را جمع بست نموده و به نتیجه مشخص میرسد، چنانکه مینویسد:

"یک نکته ای است که بین ترک شناسان قویا مورد بحث می باشد و آن عبارت است از اوغوزها و اوغوزها عده یی معتقدند که این هردو از یک قبیله و طایفه بوده اند و عده یی دیگر معتقد اند که آن دو از قبایل مختلفی بوده اند. عوامل این مباحثه از این قرار است: "تومسن" به استاد کتیبه های اورخون میگوید این هردو نام شامل یک قبیله میباشد و "مارکوارت" نیز "درسنه و تاریخ کتیبه های ترکی باستانی" همین نظر را تأیید میکند. "بار تولد" با این نظر مخالف است و در دایرهٔ معارف اسلامی ذیل لغت "توقوز" نظر مخالف خود را شرح میدهند. از این گذشته تعیین محل و ماوای "توقوز اوغوز" (نه اوغوز) که در کتیبه توکیوهای قرن هشتم و کتیبه های اوغوری قرن نهم قید شده مشخص نیست. بار تولد به طور مهم محل و ماوای آنها را در شمال "اوتکان" یا "جبال خینگای" میدانند. (دایرهٔ معارف اسلامی) ذیل لغت ترک شناسانی دیگر و پیرو آنها "آبیر هرمان" در "اتلس چین شماره های ۱۲۵ تا ۱۳۹" مسکن آنها را در کرولن وسطی میدانند. طرفداران این نکته که اوغوریان و توقوز اوغوزها یکی میباشند بدین دلایل تمسک می جویند: اولاً بر روی کتیبه "اورگوتو" خاقان اوغوری به نام "مورین چو" بدین ترتیب به ملت خود خطاب میکند: "اون اوغوز توقوز اوغوز" (ولی محتمل است که از ائتلاف دو عامل مختلف و متفاوت این ترکیب لفظی ساخته شده باشد) ثانیاً در "اوغوزنامه" آن

قهرمانی که نام خودش را به این قبیله داده است موسوم به "اوغوزخان پ" میباشد. وی میگوید: من خاقان اوغوری های میاشم. (آقای پیلو به این دلیل توسل جسته و آنرا در مقاله یی بنام "افسانه اوغوزها به رسم الخط اوغوری" تونگ پائو ۱۹۳۰) ولی آقای پیلو معتقد است که "اوغوزنامه" به خط اوغوری در تورفان در حدود سنه ۱۳۰۰ نوشته شده است. بنا بر این احتمال میرود که آنرا بعدا به آن الحاق کرده باشند و این الحاق دیر صورت گرفته است. (انشاء و طرز تحریر آن یکی و یکدست نیست) ۳- مسعودی و گردیزی و یاقوت میگویند که "توقوز اوغوزها" چندی مانوی مذهب بودند و این میتواند به سهولت آنها را با اوغوری های یکی بداند و برای آنها هویت واحدی را بشناسد زیرا اوغوری ها بین سنوات ۷۶۳ و ۸۴۰ عملا پیرو کیش مانی شدند. (اصل مطلب این است که آیا این سه دانشمند در نتیجه شباهت لفظی اوغوری و اوغوزی را با یکدیگر مشتبه و مخلوط نکرده باشد.) دلیل مخالف آقای بارتولد " توقوز اوغوز" را با اوغوری ها یکی نمیداند و آنها را با "توکیو" های قدیم یکی میداند. زیرا خاقان توکیو ها به نام " موکی لین " در روی کتیبه های " گوشوتزایدام" وقتی خطب به توقوز اوغوزها میکند، میگوید: " ملت خود من" معینا در همین کتیبه ها توکیو های " اورخون" وقتی که از توقوز اوغوزها صحبت میکند چنان است که گویی آنها تاحدی خود مختار بوده اند و جنگهای "موکی لین" کول تگین" برای سرکوبی شورش و محو نمودن طغیان خود آنها بوده است. چنانکه دیدیم، هویت اوغوری ها و توقوز اوغوزها به طور قطع و یقین مشخص و معلوم نیست. بازم معلوم

نیست که توقوز اوغوزهای مغولستان که نام شان در کتیبه اورخون در قرن هشتم و نهم ذکر شده، با توقوز اوغوز های بعدی که فی المثل در کتاب جغرافیایی حدود العالم آمده، یکی باشد. بنا بر همین در کتاب جغرافیای ایرانی در همین دوران ترکها بیک که به نام توقوز اوغوز موسوم بودند در جنوب دریاچه بلخاش (سمیرچی فعلی) منطقه ایلی در چارین و تلس و "موازار" سکونت داشته اند. " مینورسکی حدود العالم (۲۶۳-۲۷۹ و نقشه ۲۷۹) و سایر ترکان مرسوم به غزیاقوز در ناحیه میزیستند که امروز قیرقیزها و قزاقها در آن اقامت دارند. در مغرب بلخاش و شمال اورال در مرغزارهای "ساری سو" و "تورگلی" و "امبا" (مینورسک همان کتاب حدود العالم ص ۳۱۱ نقشه ۳۰۷) اینچنین به نظر می آید که غزهای دشت های قیرقیز شعبه ای از توقوز اوغوز های سمیرچی باشند. و شکی نیست که اوزهای روسیه جنوبی نیز از غز"قوز" ها میباشند و ترکان سلجوقی ایران نیز در قرن یازدهم و ترکمن های فعلی نیز از همان غزها هستند. به هر حال، اوغوزها مقارن ظهور اسلام (نیمه دوم سده نهم میلادی) تا کناره های رود سیحون تسلط داشته ، بعد از فتح ماوراء النهر توسط اعراب با امپراطوری عظیم اسلامی همسایه شده. بودند. این صحرا نوردان چادر نشین ترک که به لشکر کشی های منظم و جبهه ای نمی پرداختند و فقط به جنگهای چیریکی و حملات ناگهانی در شهرها و نواحی ماوراء النهر می پرداختند و گاهی به کمک یاغیان و سرکشان به ماوراء النهر می آمدند. مردم ماوراء النهر برای اینکه خود را از حملات نابه هنگام آنها حفظ کرده بتوانند، دیوار های عظیم و طولی، برجها و رباطها و سایر

استحکامات دفاعی را در حوالی بخارا و تاشکنت و دیگر جاها بنا کرده بودند. مورخین و جغرافیه نگران اسلامی چیز هایی در مورد زنده گی ، عادات ، رسم و رواجها و سر زمین اوغوزها نگاشته اند ، چنانکه مولف زین الاخبار می گوید : ((اما غزان مردمان اند که ملک ایشانرا تغزغز خاقان گویند و اندر روزگار قدیم تغزغز خاقان مردمی بود که اورا کورتگین گفتندی ... و چنین گویند که تغزغز خاقان را هزار چاکر باشد و چهار صد کنیز ، این هزار مرد سال تا سال پیش طعام خوردن هر روز سه بار ، چندانکه خواهند طعام بردارند و چون نان بخورند سه گن ، شراب بخورند و شراب ایشان اتر انگ.ور باشد ، این خاقان پیش عامه بیرون نیاید مگر به وقتی نادر و چون بر نشیند ، همه پشروان بیایند و پیش او بروند اندر راه از خانه اوتاکناره شهر همه سماطین زده باشند و از ریسان شهر یکی پیش او همی رود و برد ابرو همی کند و چون از اسپ فرود آید و اسپ از دهلیز آرند ، همه پیش اسپ ، و زانو زند تا آنه اسپ بگذرد و تغز خاقان بر مغهب دنیاروی باشد. اما اندر شهرم ولایت او ترساست و ثنوی و شمنی هست . و از ن راه وزیر است و چون کسی را به تهمت دزدی بگیرند ، بند بر پای او نهند و دست بر گردن او بندند بر هر رانی دو بیست چوب بزندش ، و صد چوب بر پشتش بزند و اورا گرد بازار بگردانند ، پس هر دو دست و گوش و بینی او ببرند و منادی همی بان گگ کند:

((هر کس که این بیند و فعل او میکند !)) و تغز خاقان اندر کوشک باشد و دیوار پس و فرش او نمند باشد . اما فرش اهل اسلام بر روی

ان کشند و دیبای چین بر روی فرشها کشیده . اما عامه ایشکان همه صحرايي باشند و خيمه و خرگه دارند و لباس ملوک ايشان ديباي چيني و حرير باشد و از آن عامه حرير و کرباس ، و جامه ايشان تان رواج بود و فرخ آستين و رداي دامن و کمر ملک ايشان بجليت درياشد و چون به مجلس او مردم انبوه بيابد تاج بر سر نهد و چون بر نشيند سي هزار سوار با او بر نشيند همه جوشن وزره دارند و حرب نيزه کنند همه مردمان ايشان کمر بندند و کارد خنجر بروي بياويزند و چيزي ايشان را بکار آيد از آن جا آويخته دارند و بر در عامل آنها هر روز سيصد يا چهار صد مرد گرد آيند از دنياوران و صحف ماني را به آواز بلند همي خوانند و در پيش عامل آيند و سلام کنند و باز گردند.))

اينک بخش قابل توجهي از او غوز ها را طوايف قديمي صحرا نشين از قبيل مساگت ها ، آلان ها ، ساکاها ، داه ها و غيره تشکيل داده اند ، حقيقتي ترديد نا پذير ميباشد به همين سبب نمي توانيم از او غوزهاي آسياي ميانه را در سده [اي نهم و دهم طوايف و عشاير خالص ترک ارياب کنيم . بخشى از آنان به هيله ساکين نواحى سغلى زون جزيرت زيبابان هاى قراقستان امروزي از نژاد ترکى بوده ولى به مرور زمان با مردمان محلى آميزش نموده اند . در نتيجه اين آميزش و نزديک شدن ها او غوزها در بين ممالک اسلامي به نام ((ترکمن)) يا ((ترکمان)) شهرت يافتند برخى از مورخين مدعى اند که در ميان او غوز هاى سده نهم و دهم ((ترکمن ها)) نيز بوده اند . اما به نظر ما اين ادعا چندان به حقيقت نزديک نيست . در واقع ((

اوغوز ها)) از ((ترکمن)) ها جدا نبوده بلکه آنها نياکان ترکمنها بوده اند . بايد توجه کنيم که اولاً تنها بخشى از اوغوزها بعد ها ((ترکمن)) نام گرفته اند نه همه قبائل اوغوز . ثانياً تنها اوغوزها نه ، بلکه نماينده گان طوايف و قبائل زياري وارد ترکيب ترکمنها گشته اند . بدين ترتيب بخشى از نياکان ترکمن ها بوميان کشاورز و دامداد ساکن در مناطق ترکمن نشين امروزي بوده و بخش ديگر قبائل ترک ربان بوده اند که عمدتاً به دامدارى اشتغال ورزيده و از آسياي مرکزي (آلتاي ، سنکيانگ و مغولستان امروزي) به محدوده ترکمن نشين امروزي و در اتحاد شوروي (سابق) ، افغانستان ، ايران و آمده اند . اين نظر را دانشمند و زبانشناس سده يازدهم ميلادى محمود کاشغرى نيز تاييد ميکند . دانشمندی به نام ((ابرى مکى)) در سال ۱۸۷۵ ميلادى ترکمن ها را بدین طريق توصيف ميکند : ((قومي از نژاد ترک ، در قرن ۱۱ و ۱۲ بخارا را تسخير کرده و در سمت مغرب بحيره خزر به ارمنستان ، گرجستان و شيروان و داغستان دست يافتند ، زنده گي باديه نشين دارند و قسمت عمده جمعيت آن نواحى را تشکيل ميدهند و آنها را تراکمه و ترکمن و قزلباش مى خوانند . ايرانيان وجه تسميه ترکمان را بدین طريق شرح ميدهند و ميگويند که قبائل ترک در موقع حمله به خراسان با زنان آن سامان ازدواج کردند و اولاد آنان ترکمان يعنى ترک مانند ناميده شدند اين وجه تسميه ظاهراً موجه ، ناردست و متناقض به نظر ميرسد . زيرا عده زيادى از افراد اين قوم که ترکى حرف ميزنند و در آن

سنت سخنراني باقى مانده اند ، خود از ترکمن مبخوانند ، به عقیده من اين نام از کلمه ((ترک)) و ((کرم)) ترکيب يافته و به آن قسمت از قوم کرم گفته اند که در سمت شرق درياي خزر تحت استيلاي ترکان آلتاي باقى ماندند ، اطلاق شده است . يک قسمت ديگر آمده در سمت غربى درياي خزر درياي و در سمت شمال درياي آروقف استقرار يافتند و بعد ها به سوي مجارستان رانندند.)) ما در ميان نام هاى طوايف اوغوز ها به اسامي زيادى بر ميخوريم که اکنون يز در ميان ترکمن ها وجود دارد . به طور مثال ميتوان به اسامي : سالور ، بيات ، قايي ايگدير ، بايندر ، بگدلي ، قرقين ، توتورغابا ، دودورغا و برخى ديگر اشاره کرد .

در مورد وجه تسميه ((ترکمن)) نظر ديگر نيز موجود است و آن اينکه به گفته حافظ عماد الدين اين واژه از دو جز ((ترک)) و ((ايمان)) ترکيب يافته است . به نظر مذکور ترکهايى که نو مسلمان شده بودند به اين نام ياد شده و بعداً به شکل ((ترکمان)) مخفف گرديده است .

به هر حال نام ((ترکمن ها)) براي نخستين بار در اسناد تاريخي و ادبي ۱۰۰۰-۱۲۰۰ سال قبل ثبت شده است . در برخى اسناد در باره تصرف آسياي مرکزي توسط اعراب نيز طوريکه قبلاً ياد آور شديد در دايره المعارف تون - ديانگ ((چين که در سده هشتم ميلادى تنظيم شده از ترکمن هاى نام برده شده است . مقدسى جغرافيه دان نامى عرب در اثر خود از ترکمن هاى ساکن ((سميرچي)) سخن گفته است که پيشواي آنان در شهر ((اردو)) زنده گي ميکرده است .

دیداری از هاگ

خوانندگان عزیز! طی ماه گذشته محترم داکتر داود نجفی رئیس مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیتها (اپامر) غرض اشتراک در سومین اجلاس سالانه مجمع عمومی کشورهای عضو محکمه جزایی بین المللی سفر ده (۱۰) روزه ای را به شهر <هاگ> پایتخت کشور هالند داشت. اینک جهت آگاهی بیشتر از جریان این سفر مصاحبه ای مختصری با وی ترتیب داده ایم که از نظر شما میگذرد.

قربانیان و عدالت: داکتر صاحب محترم خوشوقتم از اینکه لحظه ای در کنار شما قرار داریم. به عنوان اولین سوال میخواستم بپرسم که هدف از سفر جناب عالی به هاگ چه بود؟

داکتر نجفی: در پاسخ به سوال شما باید عرض کنم که هدف از این سفر، شرکت در سومین اجلاس سالانه مجمع عمومی کشورهای عضو محکمه بین المللی جرایم (ASP) بود. که اجلاس امسال از طرف اعضای ائتلاف برای محکمه بین المللی جرایم (CICC) برگزار شده بود. که ائتلاف مذکور متشکل از بیش از هزر انجو وسازمانهای غیردولتی از سراسر جهان میباشد. این سازمان ها به نحوی در راستای تطبیق اساسنامه این محکمه و سایر برنامه های مربوط به آن فعالیت دارند. از افغانستان بنده به نمایندگی از مجمع متخصصین افغانی برای حقوق اقلیت ها و هم چنین جامعه مدنی افغانستان که عضو این ائتلاف می باشد، جهت سخنرانی در این اجلاس دعوت شده بودم.

قربانیان و عدالت: شما در ضمن صحبت های تان از "مجمع کشورهای عضو" (ASP) نام بردید. میشود راجع به آن توضیحات بیشتری را جهت تویر اذهان خوانندگان محترم ارایه فرمایید؟

داکتر: مجمع کشورهای عضو به تعداد

تقریباً ۹۴ کشور جهان اطلاق میگردد که رسماً به محکمه بین المللی جرایم پیوسته اند. این مجمع هر سال یکبار اجلاس عمومی اش را در مقر سازمان ملل (شهر نیویارک) و یا هم در مقر خود این محکمه در شهر هاگ، دایر می نماید. کشور ما افغانستان که سال قبل با عضویت این مجمع را حاصل کرده است، در اجلاس اول و دوم این مجمع که در مقر سازمان ملل (شهر نیویارک) برگزار شده بود، نیز از ما (اپامر) دعوت به عمل آمده بود ولی بنا به معاذیری ما نتوانستیم در آن شرکت نماییم. و خوشبختانه در این اجلاس (سوم) اپامر توانست که نقش فعالی را داشته باشد.

قربانیان و عدالت: در این اجلاس علاوه افغانستان، دیگر کدام کشورها و نهاد ها اشراک ورزیده بودند؟

داکتر نجفی: در اجلاس امسال، به غیر از کشور افغانستان، نمایندگی های سیاسی کشورهای عضو محکمه بین المللی جرایم، نماینده های کشورهای که عضو محکمه نیستند ولی بصورت ناظر در جلسه آمده بودند، تعداد کشورهای که عضو ائتلاف برای محکمه بین المللی جرایم هستند و هم چنین سازمانها و ارگانهای غیر دولتی که عضویت محکمه بین المللی جرایم را دارند شرکت نموده بودند.

قربانیان و عدالت: آیا در حاشیه این اجلاس

نیز کدام برنامه ای خاصی داشتید؟

داکتر نجفی: بلی، بنده در حاشیه این اجلاس ملاقات های با نمایندگی های سیاسی اتحادیه اروپا، رئیس دوره ای این اتحادیه، نمایندگی سیاسی کشور کانادا و نمایندگان کشورهای آسیایی عضو محکمه بین المللی جرایم داشتم. که در این ملاقات ها روی چگونگی تطبیق محکمه بین المللی جرایم در افغانستان و چالش ها و مشکلات اجتماعی آن، صحبت های نتیجه بخش و مفیدی صورت گرفت. که این صحبت ها از طرف آنان مورد استقبال قرار گرفته هر یک به نوبه شان از این حرکت جدید افغانستان ابراز حمایت و پشتیبانی نمودند.

قربانیان و عدالت: به عنوان آخرین سوال میشود بیگویید که پلانه و برنامه های آینده ای (اپامر) در مورد محکمه بین المللی جرایم چیست؟

داکتر: برنامه های را که اپامر در آینده در مورد محکمه بین المللی روی دست دارد، یک مسئله نشریه است که انشاء الله یک نشریه وزین و مفید در جهت تبیین، تعریف و معرفی دیدگاه های این محکمه در سطح ملی نشر شود. دیگر هم تدویر یک سیمینار ملی است که بزودی اپامر در این راستا اقدام خواهد کرد. مهمتر از همه جنبه تطبیقی اساسنامه محکمه جزایی بین المللی می باشد که چگونه و از چه طریقی بتوانیم مراتب قانونی بی را در ساختار و میکانیسم قوانین ملی خویش بگنجانیم یعنی چه گونه در ساختار تقنینی در عرصه حقوق جزا و قوانین پروسجری یا طرزالمعلی تغییراتی رونما شود که بتواند با مودات اساسنامه محکمه جزایی بین المللی در تناقض و تعارض واقعی نشود، بدیهی است که ویژه گی های ملی و کلتوری نباید مخدوش شود، که در نتیجه محکمه بتواند در شعاع آن به صورت قانون زنده در جامعه ما ظاهر گردد. که این امر نیاز به همکاری دولت و ارگان های فعال در راستای جامعه مدنی دارد.

دکتر سیدخندان، رئیس محترم دادگاه ارجح، اولین بستین رئیس اجرای مجرای بین المللی

در بستین اجلاس مجمع عمومی کشورهای عضو این دادگاه ترجمه از داود رضایی

محترم رئیس جلسه!

از اینکه برای بنده فرصت دادید تا به عنوان نماینده کشور میزبان توضیحاتی را در مورد شرف های بوجود آمده در این کشور (اند) در قبال محکمه جزایی بین المللی، به جمع کشورهای عضو ارایه نمایم، سپاس بگذارم. سال گذشته در هشتم ماه سپتامبر ۲۰۰۲ زمانیکه از من دعوت شد تا در اجلاس مجمع به ایراد سخن پردازم، من خاطر نشان نمودم که در ماه جولای ۲۰۰۲ هنگامیکه محکمه ی جزایی بین المللی آغاز بکار کرد، هزینه ای برای این محکمه وجود داشت و نه کم کدام کارمندی جهت تطبیق پالیسی های من استخدام شده بود. اکنون که فقط دو سال پس از تاسیس این محکمه می گذرد، تا کنون رسیدگی به دو مورد جنایت به آن آغاز شده و خازنوال محکمه در حال جستجو تحقیق نسبت به سایر موارد می باشد. وهم چنین محکمه فعلاً دارای یک بودجه ی چند بیلیونی شده و حدود ۳۰۰ کارمند را از کشورهای مختلف جهان استخدام کرده است. مقر " مجمع کشورهای عضو " از شهر بو یارک به شهر هاگ منتقل شده و چهره های جدید وارد عرصه شده اند. همکاران سابق این محکمه با وجودیکه حضور شان کم رنگ شده اند، ولی تعدادی هنوز هم با این محکمه همکاری می نمایند. با اشاره به پیشرفتهای فوق علاقه مندم تا بار دیگر به

صورت خلاصه، تمام اقداماتی را که از جانب کشور میزبان (هالند) به منظور سرپا نگهداشتن و به کار انداختن محکمه جزایی بین المللی که فعلاً یک ارگان کاملاً جدید و بی سابقه می باشد، یاد آوری نمایم. نخست راجع به ساختمان و تعمیر موقت این محکمه و پس از آن درباره ای تعمیر دائمی آن و در نهایت راجع به نحوه ای بستن قراردادی که در رابطه با مقر این محکمه میان (ICC) و کشور میزبان (هالند) منعقد شده است، روشنی خواهم انداخت.

تعمیر موقت محکمه جزایی بین المللی

کشور میزبان تعمیر جدید و مدرنی را که ظرفیت حدود ۹۰۰ شعبه کاری را دارد، بصورت موقت در اختیار محکمه جزایی بین المللی قرار داده است. شعبات این تعمیر مطابق ضروریات و نام های محکمه، به سبک و معیار آلمانی مجدداً دیزاین و طراحی شده اند. این تعمیر مناقصه ی که از طرف کشور میزبان اعلان شد، تا اول ماه جولای ۲۰۱۲ بدون کرایه در اختیار این محکمه قرار داده شده است. به منظور آغاز بهتری این محکمه کشور هالند نیز حدود ۱۰۰ شعبه و محل کاری را با تمام تجهیزات به شمول کامپیوتر، سیستم شبکه ای سراسری برای تمام دفاتر، به محکمه جزایی بین المللی اعطا کرده است. کارشناسان امنیتی محکمه جزایی بین المللی در هماهنگی با متخصصین امنیتی آلمان، یک

سیستم مستحکم امنیتی جهت محافظت و مراقبت از بخش های درونی و بیرونی تعمیر محکمه جزایی بین المللی را ایجاد و به کار گرفته اند. علاوه ای بر آن اقدامات مناسب امنیتی روی دست گرفته شده اند، تا پاسخگویی مناسب برای نا امنی ها و شرایط وخیم احتمالی یی باشد که ممکن است تعمیر و کارمندان (ICC) را تهدید نماید. در این اواخر اقدامات خاصی به منظور مقابله با حوادث نابه هنگامی که احتمالاً کدام زمان متوجه این محکمه شود، به منضمه اجرا گذاشته شده است. همچنین برای تمرین نمودن محافظین این محکمه تسهیلات جای میدان تیر اندازی در نظر گرفته شده است. امکانات پارکنک به شمول تهیه سهولت برای معلولین و افراد معیوب، در چند قدمی تعمیر محکمه تدارک شده است. تعمیری هم جهت تدویر جلسه مقدماتی (Pre-trial Chamber) وهم چنین استفاده های دیگر، آباد و در اختیار محکمه قرار داده شده است. ساخت تالار بزرگ محکمه، بنا است طی چند ماه آینده ای دیگر تکمیل گردد. وهم چنین تدارکات و آمادگی ها جهت آبادی تالار دوم محکمه که باید از جانب " مجمع کشورهای عضو " روی دست گرفته شود، نیز در بودجه سال ۲۰۰۵ گنجانده شده است. طرح این تعمیر کلان شامل محبس نیز میگردد. کشور میزبان همچنین تسهیلات و امکانات میدیا

ورسانه ها را فراهم کرده است. مانند: میزهای مدور، اتاق کنفرانس مطبوعاتی و گالوری مطبوعات و میدان کوچک پارکنگ. محکمه جزایی بین المللی و همچنین کشور میزبان شرایط، امکانات و نیازمندیهای لازم را برای محبوسین کوتاه مدت، متوسط الموده و دراز مدت تعیین و توضیح کرده است که بر مبنای آن، طبق مشخصات و نارم های تعیین شده از جانب (ICC) مقامات محابس هالند، محبس های را مطابق با توان مالی این محکمه، اعمار کرده اند.

ساختمان جدید محکمه جزایی بین

المللی

طوریکه ممکن است در جریان باشید، در دور گذشته، درست از زمان آغاز محکمه ی جزایی بین المللی در ماه جولای ۲۰۰۲، اعضای تیم من همراه با مشاورینی از اداره ساختمانی و دفتر معماران دولتی، گزارشی مفصلی را در مورد ساختمان دائمی محکمه ارایه نمودند. واضحاً، گزارش مذکور برای این تدوین شد تا محکمه ی جزایی بین المللی و حکومت هالند را در راستای آغاز هرچه زود تر این روند بسیار پیچیده، مساعدت کرده باشد. از اوایل امسال تا کنون، محکمه جزایی بین المللی در تفاهم با متخصصین تیم ما، مشغول بررسی این پیشنهاد و گزارش می باشند. تجدید نظر و بررسی کنونی به مقامات محکمه این فرصت را خواهد داد تا راجع به نیازها و ضروریات اساسی ساختمان محکمه تصمیم گرفته و آنرا جهت تایید به مجمع کشور های عضو بسپارند. امیدوارم که محکمه بتواند بررسی هایش را تا آخر سال آینده تکمیل و پیشنهادی رادرمینه جهت ارائه به مجمع کشورهای عضو در سال ۲۰۰۵

آماده سازد. پیشنهاد به کمیته ی مسئول هزینه و امور مالی محکمه این است که مسوده ای مذکور را بعد از دریافت وغور، در اولویت قرار داده و تا اجلاس ۲۰۰۵ مجمع کشورهای عضو، تصمیم اش را در مورد آن نهایی سازد. اگر به یاد داشته باشید، بنده سال گذشته اظهار امیدواری کردم که روند مناقصه بین المللی معماران برای تعمیر محکمه، در سال ۲۰۰۴ انجام خواهد شد. ولی به خاطر فقدان یک ارزیابی کامل در این زمینه، این مناقصه تا کنون به تعویق افتاده است. اگر مجمع کشورهای عضو بتواند تا سال آینده ارزیابی اش را تکمیل نماید که توصیه من هم این است، در این صورت محکمه قادر خواهد بود تا مناقصه معماران را در سال ۲۰۰۶ انجام دهد. امید می رود که در اجلاس سال ۲۰۰۵ مجمع کشورهای عضو، کشور میزبان (هالند) بتواند طرز العمل این مناقصه بین المللی را جهت تصویب به این مجمع ارایه نماید.

این نکته را هم خاطر نشان میسازم که مجمع کشورهای عضو نیز لازم است تا مسئله مالی ساختن تعمیر دائمی محکمه را مورد غور قرار دهد. کشور میزبان علاقه مند است تا در هماهنگی با (ICC) پیشنهاد بدیل مالی یی را در مورد تعمیر ساختمان محکمه، جهت غور و بررسی، به ریاست محترم اجلاس در سال ۲۰۰۵ تحویل دهد..

معاهده ی محکمه جزایی بین المللی با کشور هالند در مورد مقرآن

دور اخیر مذاکرات همکاران من با متخصصین محکمه ی جزایی بین المللی راجع به تدوین معاهده ای شفاف و مشخصی در مورد مقر و مرکز این محکمه، بسیار ثمر

بخش بوده است. مذاکرات آنان در مرحله ای نهایی شدن است. هم اکنون کار ما روی آخرین ماده ای مسوده جریان دارد و توقع می رود که به زودترین فرصت نهایی گردد. متنی که تیم مذاکره کننده ای ما و محکمه روی آن موافقت کرده اند، جهت تصویب، نخست به مجمع کشورهای عضو و پس از آن به پارلمان هالند سپرده خواهد شد. این، به نفع محکمه خواهد بود که معاهده را در زود ترین فرصت ممکن تصویب نماید. پارلمان هالند حدود تقریباً یک سال وقت نیاز دارد تا مراتب و مراحل تصویب معاهده را طی نماید. اگر احياناً مجمع نیز با این امر موافقت داشته باشد، کشور میزبان این آماده گی را دارد تا راه ها و روشهایی را جهت برآورده شدن هر چه زود تر این مامول، به محکمه خاطر نشان سازد.

محترم رئیس جلسه!

در اخیر، طوریکه من مشاهده می کنم، نحوه ای برخورد کشور میزبان با محکمه جزایی بین المللی و روابط این کشور با مقامات (رئیس، معاون، قضات، حارنوال و منشی) (ICC) نیکو بوده است. هر دو جانب با اعتماد و دوستی کامل با همدیگر همکاری می نمایند. ما در کنار هم فعالیت می کنیم و برای برپایی و آغاز کار یک ارگان جدید چه چیزی بهتر از این میتواند باشد؟ این، یک امتیاز و افتخار بزرگ برای کشور هالند می باشد که با رئیسی همچو شما کار نموده و از راهنمایی های والای جلالت ماب شما بهره مند می شود. موفقیت شما را در روزهای پرمصرفیت آینده ای که پیش رو دارید، خواهانم.

با اظهار سپاس و قدردانی

ROME STATUTE OF THE INTERNATIONAL CRIMINAL COURT ASSEMBLY OF STATE PARTIES

Third Session

The Hague- 6-10 September

2004

**Statement on host Nations
issues by**

Edmond H. Wellenstein

**Director- General, Ministry of
Foreign Affairs of the Kingdom of
the Netherlands**

Head of the ICC TASK FORCE

Mr. President,

Thank you for giving me, as representative of the Host Nation, the opportunity to inform the Assembly of State Parties about the progress made in the Host State in establishing the ICC.

Last year, on September 8th, 2003, when I addressed the ASP, I started my statement by recalling that in July 2002, when the started operating, there was neither an agreed budget nor staff to implement policies. Now, two years after the Court's birth, the Court is been seized with two referrals, the Prosecutor is investigating other cases, the Court has a multimillion budget and hired some 300 staff, from all over the

world.

The ASP moved its venue from New York (formerly New Amsterdam) to The Hague, and I see many new faces in the room. The ICC old hands gradually fade away, although fortunately quite a few of them now work for the ICC.

Giving these developments I would appreciate if you allow me once again to briefly set out all the measures taken by the Host Nation until today in support of setting up the ICC- a new organization that is without precedence- and of making the Court fully operational. First I would like to deal with the interim premises of the Court. Then I would like to touch upon the permanent premises of the Court, and finally I would like to share with you the latest development in the Headquarters agreement between the ICC and the Host Nation.

On the Interim Premises of the Court

The Host Nation provided the Court with modern interim housing with a potential capacity of some 900 workstations, and

redesigned and renovated according to Dutch standards and Court's requirements. According to the Host Nation Bid, the housing for the Court is provided free of rent until July 1st, 2012.

To facilitate the smooth start of the Court the Netherlands also donated 100 workstations, fully equipped, including desktop computers, and ICT network system for all the offices of the Court.

In close cooperation between Dutch and ICC security experts a sophisticated external and internal security system for the ICC office building has been designed and installed.

Besides, tailor made security arrangements have been put in place, in order to adequately cope with different situations of insecurity, covering the ICC in general, its premises and individuals, as cases may arise.

Recently, special and detailed arrangements have been made to cope with high profile events in and around the premises of the Court. Arrangements have been to provide the ICC security services with shooting range facilities for exercise purposes.

Parking facilities, including arrangements for disabled people, have been made available a few minutes walk away from the ICC headquarters.

A specially designed pre-trial chamber, also to be used as a multifunctional meeting room, has been constructed and handed

over to the Court. The construction of a large turnkey courtroom is planned to be handed over in some months from now. This includes provisions for a second large courtroom, to be decided by the ASP as elaborated in the draft budget for 2005. The design for the large courtroom includes holding cells.

The Host Nation also provides for media facilities: hot desks; a press conference room; a press gallery next to the courtroom; and a satellite van site, opposite the ICC building.

ICC and Host Nation have defined detention requirements for the short, medium and long term. On the basis of these requirements Netherlands prison agencies will construct cells, taking into account ICC specifications and ICC budgetary requirements as laid down in the ICC budget for the first financial period.

On the new building for the ICC

As you may recall, over the past period, right from the start of the ICC in July 2002, members of my team and consultants from the Government Building Agency and from the State architect developed a detailed brief for the construction of the permanent premises of the ICC. Obviously, this brief was drafted by us to help the court, and the States Parties for that matter, jump-start their discussions on this tremendously complicated

issues. As from the beginning of this year, the Court is in the process of reviewing the draft brief, in dialogue with experts from my team. This thorough review will allow management of the Court, to decide on the basic infrastructural requirements for the Court, and submit it to the Assembly of State Parties for approval. It is my sincere hope, that the Court will be able to complete its review before the end of this year and to submit them to the ASP for approval in 2005. I suggested to the Budget and Finance Committee that, at the request and for the sake of the ASP, the Budget and Finance Committee will consider the draft brief as a matter of priority, and prepare an advice for the ASP meeting in 2005.

As a final note

The ASP also needs to consider the issues of the financing of the construction of the permanent premises of the Court. Host Nation is willing to prepare, in close cooperation with the ICC, a document with alternative financing option, to be submitted to the chairman of the ASP and for consideration and decision by the ASP in 2005.

On the Headquarters agreement between the ICC and The Netherlands

The negotiations on a draft for a definitive headquarter agreement with the ICC experts and my staff has been very fruitful over the past period: they

are in a final stage. At the moment we are working on the last articles of the agreement and we expect to finalize the draft soon. In order to ratify the agreement, the text, as agreed by the court and my negotiating team, will be presented to the ASP and subsequently to the Netherlands for approval. It will be in the court's interests to have the agreement ratified as soon as possible. The Netherlands Parliament will need approximately one year for its ratification procedure.

If the ASP would wish so, the Host Nation is ready to explore with the ICC ways and means to promote approval by the ASP as soon as possible.

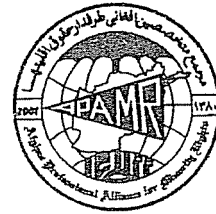
Mr. President,

To conclude, last but not least, as I see it, the business – like and fruitful relationship between Host Nation and ICC officials (the President, the Voice Presidents, the Judges, the Prosecutor and the Registrar) go hand in hand with trust and friendship. We are working shoulder to shoulder. What more could one wish in setting up a new institution, and make it work?

It is a privilege for the Netherlands to work with you, Chairman, and to be guided by your excellent leadership. For the busy days to come, we wish you every success and wisdom.

Thank you

APAMR Paper International Criminal Court (ICC) Implementation in Afghanistan



Afghan Professional
Alliance for Minority Rights
(APAMR)

Dr Daoud Najafi

Director

Presented to:

Third Assembly of State
Parties on the International
Criminal Court

September 5-10, 2004

The Hague, Netherlands

On February 10, 2003 the Cabinet of the Transitional Administration of Afghanistan ratified the Rome Statute establishing the International Criminal Court (ICC) and became a founding member of the Assembly of State Parties to the ICC. The move was warmly welcomed by the international community as a significant step for Afghanistan – a move away from its tragic past in favor of international law. This further strengthened the people of Afghanistan's commitment to end a quarter of a century of impunity enjoyed by the

perpetrators of crimes of international concern in the country. This also raised the hope for the people of Afghanistan that future serious criminals would be brought to justice at the Hague, if not in Afghanistan.

On July 1, 2003 the Rome Statute for the ICC came into force extending its jurisdiction over Afghanistan as over other member states. This happened at the time, that Afghanistan, supported by the international community, was in the process of drafting a new constitution as well as reformulating its criminal and procedural laws. In January of this year, Afghanistan's *Loya Jirga*, or grand council, adopted a new constitution for the country, which endorses Afghanistan's obligations under international treaties to which it is a party. At the same time, the Ministry of Justice's legislative drafting department, among other government institutions, are currently revising the country's

laws and judicial procedural system. This, indeed, a significant opportunity to include necessary provisions of the Rome Statute in future criminal and procedural laws of the country, thus facilitating the fulfillment of the country's obligations under the ICC.

It is particularly important as Afghanistan is not only coming out of 25 years of deadly conflicts, horrible tragedies and untold sufferings -but also because the country is still exposed to widespread violations and abuses of human rights. Many parts of the country, where the presence of the central government is weak, remain entirely unprotected and lawlessness reigns under the control of warlords, many of whom have yet to demobilize and disarm. This scenario is further complicated by the importance of the narco-traffic economy and a destabilizing anti-government insurgency. In addition, the justice system functions poorly, is partially destroyed, under-resourced,

lacks qualified personnel, many of whom are corrupt, and laws are not always available or known, despite the extensive assistance of the international community. Notwithstanding this depressing state of affairs, Afghans expressed their desire for justice and truth for past serious crimes in a recent survey conducted by the Afghan Independent Human Rights Commission, which has yet to be made public. On the basis of this consultation the Commission will make recommendations to the government on how to address human rights violations of the past. In conclusion, despite extreme difficulties, the Afghan people are eager to embrace the rule of law in the transition to a viable democratic state. The ratification of the Rome Statute is an expression of this. f

Therefore, the Afghan Professional Alliance for Minority Rights (APAMR) believes that an international justice mechanism will assist in ensuring the country will not revert to its tragic past.. Therefore, the Rome Statute is strongly needed to play, at least, a deterrent and preventive role against the commission of future serious crimes in the country.

The Alliance that led the

successful campaign for ratification of the Rome Statute by the government, has also been extensively engaged in campaigning and advocating for the new constitution as well as the reform of the judicial system.

APAMR in April 2003 organized a 2-day Basic Training on the ICC in Kabul, which was sponsored by ANICC. Based on the encouraging support declared so far and on the recommendations of the participants of the two workshops and many similar requests made by lawyers, journalists, civil society actors and community representatives from various parts of the country, APAMR is proposing the following programs and initiatives to further ICC-related activities in Afghanistan. As proposed by the international ICC experts, the Alliance is in the process of forming an Afghan coalition for the ICC as part of the World Coalition for the International Criminal Court. Initial negotiations have been carried out with the Afghan Independent Human Rights Commission, Afghan Lawyers Union, other human rights organizations and civil society

actors that have all agreed to actively take part in the coalition. APAMR is prepared to use its main office as a Secretariat for the Coalition and to make all other possible efforts to the make the coalition succeed and the ICC play an effective role in Afghanistan.

However, after APAMR succeeded to convince the Transitional Administration of Afghanistan to ratify the Rome Statute for the ICC, thanks also to supports of our regional and international colleagues and partners, the organization initiated lobbies and advocacy activities for implementation of the Rome Statute for ICC in Afghanistan along the constitution making and judicial reforms processes. Sponsored by the Asian Network for the ICC (ANICC), on 12-13 April last year, APAMR organized a 2-day Basic Training on the ICC in Kabul. Participants of the basic training program were given a basic knowledge of the history, structure and functions of the ICC and of Afghanistan's obligations as a state party, under the Rome Statute.

Later in July last year, a joint committee including representatives of the Afghan Ministry of Justice, Supreme

Court and Afghan Independent Human Rights Commission led by APAMR was set up to organize a workshop on 2-3 August on implementation of the Rome Statute for the ICC in Afghanistan. This workshop was sponsored by the Asian Forum for Human Rights and Development.

Both in the Training Program and in the Implementation Workshop representatives of the Supreme Court, Ministry of Justice, Attorney General's Office, Ministry of Interior, Ministry of Foreign Affairs, Afghanistan Independent Human Rights Commission, Judicial Reform Commission, representatives of the Faculty of Law Kabul University, Afghanistan Academy of Sciences, members of Lawyers Association and NGO representatives participated and expressed their full support of the ICC and its implementation in Afghanistan. Can you summarize this shopping list? A bit too long...

Afghanistan Coalition for the ICC (ACICC)

THIS PARAGRAPH IS REPEATED - BUT SLIGHTLY DIFFERENT Based on the encouraging support declared

so far and on the recommendations of the participants of the two workshops and many similar requests made by Afghanistan lawyers, journalists, civil society actors and community representatives from various parts of the country APAMR is, currently working to expand the ICC related activities at a national level. High officials of the Afghanistan Supreme Court, Attorney General Office, Ministry of Justice and Ministry of Interior, Afghanistan Independent Human Rights Commission and several society actors, human rights activists and organizations, lawyers groups, university lecturers and journalists have been recently been approached by APAMR to form an Afghan Coalition for the ICC. All of them have expressed their willingness to join the Coalition. In the meantime, APAMR has proposed its office to serve as Secretariat of the Afghanistan CICC. The Coalition, through its members and representatives across the country will be able to expand ICC related public education and implementation activities at the national level. Important parts of the Rome Statute and other related documents including updates on major developments on the

ICC across the world will be translated and published in publications of members of the ACICC. It is expected that more information on the ICC will be disseminated reaching all segments of the society all over the country. The expansion of such activities will obviously create hopes for the public who are still suffering and will also send a clear message to would-be culprits of serious crimes that they won't impunities any further.

National Seminar on the ICC

In the meantime, APAMR is proposing a national seminar to be held in Kabul. The seminar should include participants from relevant government and non-government departments and organizations from across the country. Once back in their organizations and provinces the participants will further raise awareness in the national level. This seminar will also look at the ways of potential drafter for drafting implementation legislation for the Rome Statute in Afghanistan. This will put an extra pressure on Afghanistan Judicial Reforms Commission and other relevant authorities to take further necessary steps for implementation of the Rome Statute.